



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

# مشعل فروزان دانش و تقوی

امام محمد باقر علیہ السلام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشعل فروزان دانش و تقوی : امام محمد باقر ( علیه السلام )

نویسنده:

بزرگ عالم زاده

ناشر چاپی:

آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	مشعل فروزان دانش و تقوی «امام محمد باقر» علیه السلام
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه ی ناشر
۱۲	مقدمه مولف
۱۴	شوق دیدار
۱۴	اشاره
۱۵	در راه مدینه
۱۵	معرفی امام باقر
۱۶	گفتاری درباره ی امامت
۲۰	اقدام امام باقر در تغییر سکه های رومی و ایرانی به سکه های اسلامی
۲۳	سفر حضرت به شام و پاسخ به سؤالات دانشمند مسیحی
۲۵	اشاره ای بر حرکت هر یک از ائمه در عصر خود
۲۶	موضع امام باقر در برابر حکومت
۲۸	اشاره ای به جنایات بعضی از زمامداران معاصر با امام
۳۱	شرکت اجباری امام در مسابقه ی تیراندازی
۳۶	سیره ی عملی امام باقر
۴۱	محبت نسبت به خانواده
۴۴	ملاقاتی دیگر
۴۴	اشاره
۴۵	معرفی جابر جعفی
۴۸	تجلی عظمت علمی امام در سخنان او
۵۲	خلوص در بندگی خدا
۵۴	حفظ زبان

۵۵	خویشتن داری مؤمن
۵۶	در تقویت روابط خویشاوندی
۵۶	دنیا دوستی
۵۶	چهار صفت انسانی
۵۷	سفارش امام باقر به فرزندش
۵۷	اخلاق پسندیده و مدارا با مردم
۶۰	دعا و نیایش
۶۳	پاورقی
۷۱	درباره مرکز

## مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: مشعل فروزان دانش و تقوی : "امام محمد باقر علیه السلام" / مولف بزرگ عالم زاده ، - ۱۳۱۶

مشخصات نشر: مشهد: آستان قدس رضوی ، اداره امور فرهنگی ، ۱۳۷۵.

مشخصات ظاهری: ص ۷۱

شابک: بها: ۱۵۰۰ریال ؛ بها: ۱۵۰۰ریال

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: (P. B. U. H )Bozorg Alemzadeh. The luminous touch of virtue . and knowledge: Iman Muhammad Baqir

یادداشت: کتابنامه : ص ۷۱ - ۷۰

عنوان دیگر: امام محمد باقر علیه السلام

موضوع: محمد بن علی (ع)، امام پنجم ، ق ۱۱۴ - ۵۷

شناسه افزوده: آستان قدس رضوی . اداره امور فرهنگی

رده بندی کنگره: BP۴۴ / ع ۲ م ۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۵۲

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۵-۹۸۱۳

## مقدمه ی ناشر

جامعه یک واحد زنده و مستقل از افراد و دارای شخصیت است، سنن و نوامیسی بر جوامع انسانی حاکمیت دارد رشد و ترقی و یا انحطاط و سقوط جوامع بشری بر اساس نوامیس و قوانین حاکم بر آنها صورت می گیرد. در میان موضوعات و امور مربوط به اجتماع شاید امری همچون هدایت و رهبری جامعه از اهمیت برخوردار نباشد.

هر اجتماعی دارای امور و شئونی است که باید به نحو مقتضی و شایسته مورد توجه قرار گرفته، و در جهت نیل به آنها از بهترین شیوه ها و روشها بهره جست.

تعیین هدف و یا اهداف جامعه، رشد و ترقی و تعالی آن، مشخص بودن اصول و سیاستهای کلی، تدوین قوانین جزئی و در جهت نیل به این اهداف و در مفهوم کلی تنظیم برنامه، نظارت و مراقبت، حفظ کیان و هویت جامعه و مهمترین ارکان حیات یک جامعه زنده و پویا است.

این همه بدون رهبری و هدایت و اداره ی رهبری، حکیم، آگاه، هوشمند، مدبر و شجاع تحقق نیافته و عملی نمی شود. تاریخ جوامع و

[صفحه ۲]

تحلیل و



بررسی علل ترقی و یا انحطاط آنها مصداق هایی برای این مدعایند.

از این گذشته، رهبری هر اجتماع مظهر روح جمعی آن اجتماع بوده، تبلور هویت فرهنگی، تاریخی آن جامعه است، رهبری نماد همه ی آرمانها و آرزوهای یک ملت است و هر فردی از افراد جامعه خود را در مظهر هویت و وحدت جامعه ی خویش منحل می بیند.

لازم است گفته شود، در این نگرش به مقوله ی رهبری، نظام حکومتی و هیأت حاکم خود به عنوان شأنی از رهبری، بلکه مهمترین شئون آن است.

در فلسفه ی اجتماعی اسلام، امامت و رهبری، از موقعیتی بسیار خطیر و جایگاهی بس بلند و اهمیتی فوق العاده برخوردار است. در این آیین حنیف تا آنجا رهبری و شناختن آن مطرح است، که آن را شرط ورود به مکتب اسلام حقیقی دانسته اند.

مگر این سخن بنیانگذار اسلام نیست که می فرماید:

من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة با الکفر و النفاق

(بنا بر اختلاف موجود در نقل حدیث)

هر کس بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد به مرگ جاهلیت یا کفر یا نفاق مرده است و در تحریض و برانگیختن اراده و همت ها برای شناخت امامت و رهبری سخنی بالاتر از این نمی توان گفت.

اما نکته ی دلپذیر و اساسی این که در اسلام و به مفهوم صحیح شیعی آن، رابطه ی رهرو و راهبر و پیروان که از یک طرف بر اساس ارادت و محبت، و از سوی دیگر بر مبنای شفقت و مهرورزی استوار است و کیست که نداند که عنصر محبت و عشق در اتخاذ خط مشی صحیح و جهت

[صفحه ۳]

درست و رفتاری معقول و متین، در سازندگی انسان

تا چه حد مؤثر است، آنهم نه عشقی که خیزش احساسی آن را برانگیخته و بیدار کرده است بلکه محبت و عشقی که ناشی از معرفت و برآمده از شناخت عمیق اوست. انسان به حسب تمایلات بلند و فطری خویش، نمونه های عالی اخلاق و سمبل های بزرگ و شایسته و کمالات انسانی را دوست دارد، لذا هرگاه ارزش های متعالی و ممتاز اخلاقی، و سجایای انسانی برای مردم توصیف شوند، و زندگی سراسر حکمت و زیبایی و رفتار و کردار متین و همراه با کرامت و بزرگواری عاملان بدان برای مردم معرفی شوند، به طور طبیعی علاقه ها، محبت ها و ارادتها از نهانخانه ی فطرت آحاد مردم سر خواهد زد و به سوی آنان جلب و جذب خواهد شد. چنانچه گویی ارتباط و علاقه و محبت میان امام و امت طرفینی است، و از ناحیه امام هم پیوسته عنایت می شود، و او نیز از سر مهر و شفقت و پیرو و رهرو خود را در پناه لطف و توجه خویش قرار داده و دستگیری می کند، و پیوسته این تعامل اوج می گیرد و عمیق می شود، و روشن است که ژرفای این پیوند برای احدی قابل تصور نخواهد بود.

و نکته آخر این که: باز شناساندن امامان معصوم علیه السلام و معرفی حجت های الهی که در واقع و ظاهر رحمت و لطف خداوند می باشند در حقیقت نشان دادن راه و سمت و جهت صحیحی است که باید انتخاب شود، و نیز نمودار مقصودی که باید اختیار شود. و آیا در زندگی برای انسان، امری از داشتن راه و خط مشی

و رویه ای صحیح مهتر وجود دارد؟

علت اصلی و ریشه‌ی اساسی، رنج و درد و افسردگی و سرگشتگی بشریت قدرتمند و فائق بر طبیعت در عصر ما چیست؟  
انسان امروز با همه‌ی

[صفحه ۴]

برخورداری می‌نالد، و از کمبود و یا نبود، و بدلیل نداشتن و یا نیافتن معنی و مفهومی عمیق برای زندگی به سختی رنج می‌برد، و احساس پوچی و بی‌هدفی چون موریانه روح و روان وی را می‌خورد. و او را از درون تهی و بی‌مغز می‌کند.

معرفی، شناساندن، تحلیل و تشریح زندگی نمونه‌های متعالی و بارز انسانی، آنهایی که از افق آفرینش سر بر آورده و حیات و اسرار و رموز آنرا به زیر بالهای اندیشه گسترده و فاقد خویش گرفته و حقایق آن را به روشنی واقف گشته‌اند، و مقصد و مقصود آفرینش را به وضوح دریافته و در این رابطه خود به عالیترین حد کمال دست یافته‌اند، ضروری‌ترین و فوری‌ترین کاری است که باید صورت بگیرد.

بدین منظور و هم در پی ارشادات و تأکیدات مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای و در جهت تحقق منویات و تولیت عظمای آستان قدس رضوی حضرت آیت الله واعظ طبسی، مبنی بر تدوین و نشر معارف اسلام، و تحلیل زندگانی و باز شناساندن چهره‌های پر فروغ و پیشوایان معصوم علیه السلام به زائران معزز و محترم، این اثر که در زمینه‌ی تبیین اجمالی حیات امام محمد بن علی، حضرت امام باقر العلوم علیه السلام تدوین یافته عرضه می‌شود. امید است این اقدامات بتواند در وصول به اهداف مذکور مؤثر

واقع شود.

اداره ی فرهنگی آستان قدس رضوی

[صفحه ۵]

## مقدمه مولف

بسم الله الرحمن الرحيم

«الحمد لله و سلام على عباده الذين اصطفى»

انسان دارای دو جنبه است، یکی جنبه ی پنهان و باطن (روح) و دیگری جنبه ی آشکار (بدن) و هر یک از این دو جنبه، در معرض بیماریها و رنج هایی است. رنج بدن همان بیماری های جسمانی اوست که تن را می کاهد و تنها فرد مبتلا را عذاب می دهد و به خطر می اندازد و معالجه و درمان آن به عهده ی علم پزشکی است. و بیماریهای روحی، همان رذایل اخلاق اند که زیان و بدبختیش متوجه انسان و دیگر افراد جامعه می شود؛ عهده دار پیشگیری و درمان این بیماری، علم اخلاق است. لذا اخلاق از مهمترین اجزاء هر فرهنگی است و در اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است.

اکنون باید حقیقت اخلاق یعنی اخلاقی را که حیات بخش است و می تواند انسان و جامعه را از آسیب پذیری نجات دهد بشناسیم.

روشن است اگر مبانی اخلاق از طبیعت بشری به ترکیبی از امیال و خواهشهاست سرچشمه گیرد قادر نخواهد بود جوابگوی مقتضیات زندگی و برخورد با نظامهای اخلاقی باشد و در نتیجه نمی تواند عدالت

[صفحه ۶]

اجتماعی را در جامعه حاکم کند. و تنها نظام اخلاقی دینی (علم اخلاق اسلامی) است که کمال مطلوب را دارد و می تواند مانع آسیب پذیری بنیادهای اجتماعی باشد، زیرا از منبع وحی سرچشمه گرفته است.

بخش قابل توجهی از قرآن مجید مربوط به تعالیم اخلاقی است، علاوه بر آن، تعلیمات و سخنان مؤکدی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و سلم و ائمه ی اطهار علیه السلام که منشأ آن وحی

است درباره ی اهمیت اخلاق در اسلام آمده است و اتکاء اخلاق به قرآن و حدیث، مبین اهمیت آن در اسلام است.

به عنوان مثال: «ان الله يأمر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی یعظکم لعلکم تذكرون.» [۱] تمام اوامر اخلاقی را در بر دارد، بعثت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم نیز به منظور تکمیل اخلاق بوده است آن حضرت می فرماید: «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»

او در طول نبوت خود، دستوره‌های اخلاقی کاملی را به جامعه عرضه داشت، پس از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم نیز جانشینان بلافصل آن حضرت، همه مظهر اخلاق نیکو و نمونه ی یک انسان کامل، آنان حجت خدا در میان بندگانش، معیارهای صحیح اخلاقی را که ضامن خیر و سعادت بشر است در افعال و گفتار آنها می یابیم و خلاصه این که هماهنگی و همپایی قرآن و عترت در ارائه ی ارزشهای والای اخلاقی، موجب نجات انسان ها از رذایل و زشتیها است، سفارش پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم به دو امر مهم نیز مؤید آن است که می فرماید:

[صفحه ۷]

«همانا در میان شما دو چیز گرانقدر، یکی کتاب خدا و دیگری خاندانم، عترتم را باقی می گذارم و این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا این که در کنار حوض (کوثر) بر من وارد شوند و اگر شما را آنها پیروی کنید هرگز گمراه نخواهید شد.» [۲].

البته معنای تمسک و توسل به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم نباید از مسیر واقعی خود منحرف شود و تنها به صورت

زیارت و مرثیه خوانی و مدیحه سرایی در آید، بلکه بنا به گفته های صریح خودشان:

«بموالاتکم علمنا الله معالم دیننا» [۳].

باید توسل به ائمه را توجه به سخنان و دستوره‌های ایشان و عمل به آنها بدانیم. در دنیای متحول امروز که با تهاجم بی‌امان قدرتهای بزرگ و فرهنگهای منحط و غلط همراه است و دشمنان اسلام می‌کوشند ارزشهای معنوی و اخلاقی را از میان بردارند، تنها راه نجات و رهایی از این گرفتاری، تمسک به حبل الله المتین و متابعت از روش معصومین علیه السلام است. و شایسته است شیفتگان مکتب ولایت و شیعیان راستین، نسبت به ابعاد مختلف زندگی ائمه علیه السلام که مظهر اخلاق حسنه اند شناخت کامل داشته باشند، تا در عمل نشان دهند که چگونه خط ولایت می‌تواند جامعه را از عزت و عدالت اجتماعی و ارزشهای اخلاقی و معنوی برخوردار سازد و در نتیجه اقتدار دینی و سلامت سیاسی حاکم گردد.

[صفحه ۸]

اکنون در جهت تحقق این هدف عالی اقدام به تهیه ی مختصری از زندگینامه ی امام باقر علیه السلام در قالب گفتگو و به سبکی ساده و کوتاه شده است و امید می‌رود مورد استفاده ی خوانندگان ارجمند و حقیقت جو واقع شود.

و ما توفیقی الا بالله هو المستعان و السلام علی من یخدم الحق لذات الحق

زمستان ۷۴ بزرگ عالم زاده

مشهد مقدس

[صفحه ۹]

**شوق دیدار**

**اشاره**

تمام شب را به عشق و یاد مولایش سپری کرد. سحرگاه و پس از ادای فریضه عازم مدینه شد. او از یاران محمد باقر علیه السلام است و کوفه را برای مدتی ترک می‌کند تا بتواند زمانی دیگر را در محضر پر بار مولای

خود حضور یابد.

## در راه مدینه

هنوز در آغاز راه بود، ناگهان با چهره ای نورانی روبه رو شد که با وی همسفر است. دانشجویی جوان که زمزمه کنان از خدا مدد می خواهد تا بتواند در سفر مدینه به زیارت مولایش ابی جعفر، محمد علیه السلام نایل آید. با جوان به راه افتاد، پس از ادای احترام به او گفت: ای جوان معلوم است که تو نیز با ما همسفری و قصدمان از سفر به مدینه یکی است، زیرا دریافته ام که به ملاقات محمد باقر علیه السلام می روی

[صفحه ۱۰]

جوان: آری چنین است اکنون که کوفه را به عزم مدینه ترک می کنم، قصد دارم به حضور مولایم ابی جعفر محمد باقر علیه السلام شرفیاب شوم، زیرا مدتی است از فیض دیدار او محروم مانده ام و با مسائل و مشکلاتی علمی روبه رو هستم، با مشکلاتی که تنها امام می تواند پاسخگوی آنها باشد. او از خاندان رسول خدا و وارث علم پیامبر است. جانشین شایسته ای است که اخلاق و کردار نیکوی پیامبر را به نمایش می گذارد.

## معرفی امام باقر

همسفر: آری می دانم او همان پیامبر است، لقبش باقرالعلوم، کنیه اش ابو جعفر و چهره اش همچون چهره ی رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم است. او علم را می شکافد یعنی عالم به همه ی علوم و باز کننده ی دشواریهای معارف گوناگون است.

جوان: از شباهت و نسبت او با پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم سخن راندی!

همسفر: آری، مگر تو نسبت او را با خاندان پیامبر نشنیده ای؟ محمد باقر علیه السلام نخستین کسی است که از پدر و مادری علوی به دنیا

آمد چه این که نسبش به حسن بن علی و حسین بن علی علیهما السلام برگشته و از دو سوی به علی علیه السلام و فاطمه سلام الله علیه منسوب است.

جوان: می دانم، او فرزند علی بن الحسین علیه السلام امام سجاد علیه السلام چهارمین امام شیعیان است، مادرش فاطمه، دختر حسن

[صفحه ۱۱]

بن علی است که به همسری علی پسر حسین بن علی علیه السلام برگزیده شده است. ثمره ی این ازدواج زیبا و مقدس محمد باقر علیه السلام است که به سال ۵۷ هجری در شهر مدینه و در خانه ی امام سجاد علیه السلام به دنیا آمد، ولادتش در روز سوم ماه صفر بود و مدتی از عمر خود را با پدرش به سر برد.

### گفتاری درباره ی امامت

همسفر: ابو جعفر، مدت ۳۸ سال با پدر به سر برد و در سال ۹۵ هجری به مقام امامت رسید. اولین سخن درباره ی امامت امام باقر علیه السلام پیام رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم به جابر بن عبدالله انصاری است.

جابر می گوید: روزی از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم پرسیدم (اولی الامر) که خدای تعالی اطاعت آنها را متصل و وابسته به اطاعت شما کرده است، چه کسانی اند؟

رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: آنها جانشینان من و پیشوایان مسلمانان بعد از من هستند، اولین آنها علی بن ابیطالب علیه السلام و پس از او فرزندش حسن علیه السلام و سپس حسین علیه السلام و بعد از او علی بن الحسین علیه السلام و سپس محمد بن علی علیه السلام است که در تورات به باقر به باقر



علیه السلام معروف است و ...

در جایی دیگر هم پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم به وسیله ی جابر به امام باقر علیه السلام سلام رسانده و به او پیامی دیگر داده است.

جوان: پیامش را از زبان محمد بن مسلم شنیده ام که گفت:

[صفحه ۱۲]

روزی در کنار جابر بن عبدالله نشسته بودم که امام سجاد علیه السلام همراه فرزند خردسالش، محمد، وارد شد، جابر محمد را در آغوش کشید و گفت: ای محمد! رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم به تو سلام رسانده و به من فرموده است:

ای جابر بعد از من عمر می کنی تا آن که فرزندی از اولاد من به دنیا آید، فرزندی که نامش نام من و عملش علم من است. او علم را سخت می شکافد. همین که وی را ملاقات کردی، سلام مرا به او برسان. [۷].

همسفر: علاوه بر اخبار جابر از زبان پیامبر، درباره ی امامت امام باقر علیه السلام روایات و سخنانی دیگر نیز از او نقل شده است، البته می دانی که امامت وابسته به دو پایه ی اساسی است، یکی شایستگیهای معنوی، اخلاقی و علمی و دیگری تأیید از سوی مبدء آفرینش و معرفی پروردگار. این دو پایه ی اساسی امامت، از دو منبع قرآن و سنت پیامبر به دست می آیند و مصادیق واقعی آیاتی از قرآن که بر امامت معصومین علیه السلام دلالت دارد، در روایات پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و نصوصی که در باب امامت ائمه آمده، موجود است.

[صفحه ۱۳]

جوان: آری به یقین چنین است، زیرا امامت مقامی والا، جایگاهی بس رفیع و خط امامت ادامه ی خط

رسالت است.

بنابراین امام باید واجد همه ی خصلتهای عالی اسلامی و نمونه ی عملی مکتب پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و معیار فضیلت باشد، تا عموم مردم در پناه رهبریهای وی از گمراهی نجات یابند. هر آینه کسانی که از سوی خداوند برای احراز این مسؤلیت خطیر انتخاب می شوند به صفات والا و مواهب الهی آراسته اند. آنان در طول حیات خود کوچکترین گناهی را مرتکب نشده اند و به گفته ی پیامبر همچون کشتی نوحند، هر که به آنها پیوندد رهایی یابد و هر که تخلف ورزد غرق خواهد [۸] شد.

همسفر: علاوه بر سجایای اخلاقی و همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم به بعد علمی امام باقر علیه السلام اشاره فرموده است، دل او از کودکی دریایی پهناور و چشمه ای جوشان از علم و حکمت شده به گونه ای که هیچ کس در دانش و فضیلت، قدرت برابری با او را ندارد. علوم اسلامی از منبع وجودش سرچشمه گرفته و در دنیای اسلام توسعه یافته است. محضر مبارک امام مرکز علما، دانشمندان، محققان و شعرا و خانه اش مکتب تربیتی اسلام و بیت علم و فضیلت است، مکانی که مشتاقان و تشنگان دانش را به خود جذب کرده و هر کس با مسأله ای علمی یا مشکلی روبه رو می شود

[صفحه ۱۴]

به مجلس پر بار آن حضرت شرفیاب شده و از منبع فیض و کمالش بهره می گیرد.

عبدالله بن عطاء مکی گوید: هیچ گاه دانشمندان را نزد کسی حقیرتر و کم مایه تر از آن گاه که در خدمت ابوجعفر محمد باقر علیه السلام بودند کوچک و کم مایه

تر نیافتیم. حکم بن عتیبه را علی رغم فراوانی علم و عظمت و جلالت قدری که در میان دانشمندان داشت، در محضر حضرتش همچون کودکی که ابجد خوان و به قولی چون گنجشکی ناتوان دیدم و گویی کودکی در خدمت معلم خود بود.

جوان: حقا چنین است و اکنون که به مدینه می روم قصد دارم محضر پر برکت امام بهره مند شده و از خرمن دانشش خوشه ای چینم.

همسفر: آفرین بر تو و بر همه ی دانش پژوهانی که تشنه ی یافتن حقیقت هستند، همچون پروانه هایی به دور شمع وجودش و بر گرد امام و رهبر خویش حلقه زده و به آیه ی: «فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون [۹] عمل می کنند.

و امام باقر علیه السلام فرمود: ما اهل ذکر بوده و سزاواریم که مشکلات علوم را از ما بپرسید، منطق ما منطق الهی است و از مکتب: «ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی» [۷] نشأت گرفته

[صفحه ۱۵]

است، و ندای: «سلونی قبل ان تفقدونی» [۸] از جد بزرگوارمان امیر مؤمنان علیه السلام نیز شعار ماست جوان: علمی که از سوی امام باقر علیه السلام منتشر می شود توجه شیعیان و اندیشمندان عصر خویش را جلب کرده است، زیرا مکتب علمی و تربیتی او آمیخته به سخاوت و بخشش است به گونه ای که هزاران دانشمند در محضر او حضور یافته و فریفته ی ملکات و احسان و اکرام اویند، البته دانش گسترده ی امام درباره ی علوم گوناگون و بیان علمی وی درباره ی علوم قرآن و معارف اسلام اکتسابی نیست، بلکه از منبعی جوشان سرچشمه گرفته و لدنی است. [۹].

همسفر: واقعا چنین است علم

هیچ یک از جانشینان بر حق پیامبر اکتسابی نیست. بدان معنی که علم از راه تعلم و فراگیری به دست نیآورده اند، بلکه دانش آنها همانند علم پیامبر، لدنی است. دانش امام باقر علیه السلام نیز همچون سایر ائمه از این سرچشمه نشأت گرفته است، لذا از خصایص امام این است که او به تمام علوم و زبانهای دنیا و همه ی موجودات جهان آگاهی دارد. خدای تعالی آنها را از خلقت جمادات و نباتات و حیوانات و دیگر موجودات جهان هستی با خبر ساخته است، به گونه ای که با اندک

[صفحه ۱۶]

توجهی هر گونه امر مجهولی از امور عالم برای ایشان روشن و معلوم می شود.

جوان: البته همین ویژگی آنها باعث شده است بتوانند در هر زمانی با نشر مبانی و مسائل اعتقادی و استدلال و روشنگری در این زمینه و تربیت معتقدانی چون محمد بن مسلم، زراره، هشام بن حکم و جابر بن یزید جعفی و همچنین با بیان روایات و احادیثی که در کتب شیعه و سنی موجود است، چراغ روشن دین را روشنی بخش و نور افشان نگاه داشته و به آیندگان خود بسپارند.

همسفر: آری چنین است زیرا از محمد بن مسلم که فقه اهل بیت و از یاران راستین امام باقر علیه السلام است شنیدم که گفت: هر مسأله ای در نظرم دشوار می نمود از ابو جعفر می پرسیدم، تا جایی که سی هزار حدیث از او سؤال کردم. حتی موقعیت امام باقر علیه السلام به گونه ای بود که حکومتها نیز برای رفع مشکلات به امام علیه السلام روی می آوردند.

### **اقدام امام باقر در تغییر سکه های رومی و ایرانی به سکه های اسلامی**

جوان: در ارتباط با این مسأله اقدام امام باقر

علیه السلام را در تغییر سکه های رومی و ایرانی به سکه های اسلامی و ایجاد استقلال اقتصادی بیاد آوردم.

در آن روزها که معاملات معمولی با دینار و درهم رومی و

[صفحه ۱۷]

ایرانی انجام می گرفت، عبدالملک مروان تصمیم گرفت «طراز» رومی را به عربی تبدیل کند، امپراتور روم با خبر شده و سخت بر آشفت او همچنین عبدالملک را تهدید کرد که اگر دست به چنین کاری زند فرمان خواهد داد دینارهای رومی را با ناسزا به پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم ضرب زنند. عبدالملک [۱۰] از این تهدید به هراس افتاد و از بزرگان اسلام چاره خواست. کسی از ایشان وی را راهنمایی کرد تا چاره را نزد امام پنجم شیعیان، امام محمد باقر علیه السلام جوید. اگر چه این پیشنهاد که از رقیب هاشمی خود استمداد کند بر وی گران آمد، اما مجبور شد امام را از مدینه به دمشق دعوت کند. به عامل خود در مدینه چنین نگاشت: محمد بن علی بن الحسین را با کمال احترام به دمشق روانه کن. صد هزار درهم برای خرج سفر و سیصد هزار درهم برای مخارج خانوادگی او پرداز، و وسایل راحتی او و همسفرانش را فراهم کن.

همین که امام باقر علیه السلام به دمشق رسید، عبدالملک موضوع را عرضه داشت، حضرت فرمود: اهمیتی ندارد ... هم اکنون استادان ماهر خود را خواسته و دستور ده سکه های درهم و دینار تهیه کنند و روی آنها کلمه ی توحید و نام رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم را نقش کنند و در اطراف آن نام شهری را که در آن

سکه زده اند با تاریخ سال بنگارند و برای تهیه سکه های درهم از سه نوع استفاده کن به این ترتیب که: ده

[صفحه ۱۸]

تای آن ده مثقالی و ده تای آن شش مثقالی و ده تای دیگر پنج مثقالی باشد، به قسمی که مجموع آن بیست و یک مثقال شود پس از آنها را به سه جزء تقسیم کن به گونه ای که هر قسمت هفت مثقال باشد. عبدالملک دستور را اجرا کرد و به عمال خود فرمان داد به جای درهم و دینار رومی و ایرانی پول رایج اسلامی را به جریان اندازند و غیر این صورت تخلف و جرم شناخته می شود.

همسفر: مسلم است که شخصیت والای امام باقر علیه السلام و دریای بی کران دانش او مورد تأیید و توجه پیشوایان اهل سنت مانند ابو حنیفه [۱۱] و غیر او نیز بوده و از آن حضرت حدیث نقل کرده اند.

جوان: گویا امام باقر علیه السلام با دانشمندان و صاحبان علوم گوناگون، برخوردها و احتجاجاتی نیز داشته اند.

همسفر: طبیعی است امامی که از جاذبه ی علمی بالایی برخوردار است و دانش او زبان زد خاص و عام است، پیوسته در میدانهای رویارویی، با اندیشه های منحرف و افکار کفر آمیز و موضع گیریهای مختلف حضور داشته و با سعه ی صدر، به تبیین علوم و حقایق قرآن با روش مناظره و گفتگوهای موضوعی و بحثهای علمی برای توده ها پرداخته است.

البته دانشمندانی که قصد دارند با امام مباحثه و مناظره کنند، ابتدا در درسش حضور یافته و بعد از آن که وی را دریای بی کرانی از

[صفحه ۱۹]

علم و دانش دیده، از روی خضوع و

خشوع سر تسلیم در برابر او فرود می آورند و پس از انجام پرسشهایی، با ایمان و اعتقاد به فضیلت و برتری آن حضرت باز می گردند.

### سفر حضرت به شام و پاسخ به سؤالات دانشمند مسیحی

امام با دانشمندان و اهل آراء و مذاهب مختلف مناظرات زیادی داشته اند که علمای شیعه و سنی آنها را بارها منتقل کرده اند. که از جمله ی آنها سفر حضرت به شام و پاسخ به سؤالات دانشمند مسیحی است در سفر اجباری به شام، با اسقف بزرگ مسیحی که گروهی از کشیشان و راهبان به دورش جمع شده تا مشکلات علمی خود را از وی پرسند، برخورد کرد به طور ناشناس وارد جمع آنان شد. سیمای نورانی و ابهت حضرت، راهب را به شگفتی واداشت و او را تحت تأثیر قرار داد، دانشمند مسیحی مسائلی را با امام مطرح کرد و از حضرت جواب خواست. گرچه سؤالات راهب با مقام علمی امام مناسبتی ندارد، لکن آن پرسشها در این دوره ی جهل، مسائلی است که می تواند عالم مسیحی و اطرافیانش را مسلمان کند.

دانشمند مسیحی پس از دیدن امام باقر علیه السلام می پرسد:

دانشمند: از ما هستی یا از امت پیامبر اسلام؟

امام: از امت پیامبر اسلام و مسلمان هستم.

[صفحه ۲۰]

دانشمند: از دانشمندان آنها هستی یا از نادانان؟

امام: از نادانان نیستم.

جاذبه ی امام به گونه ای است که آثار اضطراب را در چهره ی دانشمند مسیحی نمایان کرده است.

دانشمند: من از تو سؤال کنم یا تو می پرسی؟

امام باقر علیه السلام: هر چه می خواهی پرس.

دانشمند: آن ساعتی که نه از شب است و نه از روز کدام است؟

امام: زمانی که میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب است.

دانشمند: این ساعت از

کدام ساعتها است؟

امام: از ساعات بهشت است و در آن ساعت می توان آخرت را آباد کرد و سعادت دو جهان را به دست آورد. در آن ساعات است که بیمار سبک می شود و درد ها التیام می یابد و بیهوش به هوش می آید و کسی که در شب بیدار بوده در این ساعت به خواب رود.

دانشمند: شما مسلمانان اعتقاد دارید که اهل بهشت می خورند و می آشامند و از ایشان چیزی دفن نمی شود. نشانه ی آن در این دنیا چیست؟

امام: نمونه و نظیر روشن آن در این جهان جنین است که در شکم مادر تغذیه می کند ولی مدفوعی ندارد.

دانشمند: شما عقیده دارید نعمتهای بهشت پایان ناپذیرند و هر چه از آنها استفاده شود کم نمی شوند نظیر آن در دنیا چیست؟

[صفحه ۲۱]

امام: نشانه ی آن در دنیا علم است که هر چه از آن بهره گیرند کاستی نپذیرد، همچنین چراغی که اگر هزاران چراغ را از آن بیفروزند روشنی اش کم نشود.

دانشمند مسیحی با خود می گوید: سؤالی دیگر مطرح می کنم که محمد باقر علیه السلام از جواب آن ناتوان ماند.

دانشمند: آن دو برادری که در یک زمان از مادر متولد شدند و در یک زمان از دنیا رفتند، اما هنگام مردن، عمر یکی پنجاه سال و دیگری صد و پنجاه سال بود، چه کسانی بودند؟

امام: آن دو برادر «عزیز» و «عزیر» بودند که قرآن از آنها خبر می دهد. آنها مدت سی سال با یکدیگر زندگی کردند خداوند جان عزیر را به زنده شدن مردگان در قیامت تردید داشت گرفت و پس از صد سال او را زنده کرد.



وی بیست سال دیگر با برادر خویش زندگی کرد و سرانجام هر دو در یک ساعت از دنیا رفتند.

دانشمند که جواب سؤالات خود را صحیح و حکیمانه دریافت کرد، به پیروان خویش گفت: آیا کسی را داناتر از من می شناسید که مرا رسوا کند. به خدا سوگند تا این مرد در شام است با شما سخن نخواهم گفت، ای دانشمندان مسیح هر چه می خواهید از او پرسید.

### اشاره ای بر حرکت هر یک از ائمه در عصر خود

جوان: چون در این زمان امام باقر علیه السلام زمینه را برای قیام علنی

[صفحه ۲۲]

مساعد نمی بیند موضع گیری خود را در برابر حکومت رو به زوال اموی، به گونه ای دیگر پی ریزی کرده است.

همسفر: آری قطعا چنین است زیرا هر کدام از جانشینان پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم در طول حیات پر برکتشان، موقعیت و موضع خاصی در مقابل حکومت زمان خود داشته اند آنها در عصر خویش عهده دار ارشاد و رهبری جامعه ی اسلامی و پاسدار و نگهبان آیین اسلام بوده اند، گرچه شکل کار آنها، در تحقق این هدف، مختلف است اما هر کدام متناسب با اقتضای زمان خود، راهی را بر می گزینند که آنها را به هدف رساند، هیچ یک از آنها به اراده ی شخصی و بدون دلیل تصمیم به قیام یا سکوت در برابر حکومت نمی گیرند. برنامه ی کار آنها ابتدا از طریق وحی به پیامبر ابلاغ می شد و سپس در اختیار علی بن ابیطالب علیه السلام و حسن بن علی علیه السلام و حسین بن علی علیه السلام قرار می گرفت تا خودشان و ائمه ی بعد بر اساس برنامه ی الهی و وضع اجتماعی و اقتصادی و

سیاسی زمان به وظیفه‌ی خویش عمل کنند.

به عنوان مثال علی بن ابیطالب ابتدا باید سکوت کند و سپس حکومتی تشکیل دهد و با معاویه به نبرد برخیزد. اما موقعیت و نهضت حسن بن علی علیه السلام در برابر معاویه به گونه‌ای دیگر است. او وظیفه دارد اقدام به صلح کند تا صلح‌وی زمینه ساز و مقدمه‌ی قیام امام حسین علیه السلام باشد. حسین بن علی علیه السلام باید قیامی عظیم و بی سابقه را تا شهادت پی ریزی کند، تا با نثار خون خویش به ممالک اسلامی پیام دهد. و قیام فرزندش امام سجاد در قالب دعا و نیایش انجام می گیرد.

[صفحه ۲۳]

### موضع امام باقر در برابر حکومت

اکنون که عصر امام باقر علیه السلام است، انقلابات پیاپی مکتبی پایه‌های حکومت بنی امیه را سست و اقتدار آنها را به ضعف کشانده است وضع سیاسی جامعه به گونه‌ای دیگر است.

جوان: واضح است که در این موقعیت حساس امام باقر علیه السلام احساس می کند که جهان اسلام به یک جهش علمی و فکری و پی ریزی یک نهضت مکتبی نیاز دارد، لذا به تشکیل جلسات درس و بحث می پردازد تا با بیان و نشر حقایق، اساس اسلام را از تهدیدها و آفات و تبلیغات سوء و ناروای دشمنان حفظ کند.

همسفر: واقعیت همین است. روش کار پیشوایان به ویژه امام سجاد علیه السلام و امام باقر علیه السلام که در شرایط فشار و خفقان به سر می برند، باید به شیوه‌ی پنهانی و زیرزمینی باشد و همین فعالیتها ی پنهانی است که زمانی آشکار شده و خلفا را سخت مضطرب می کند و آنها را

و اما می دارد تا وسایل تبعید و زندان ایشان را فراهم کنند.

ما می دانیم امام باقر علیه السلام چهارمین بهار زندگی خود را در واقعه ی جانگداز کربلا در کنار جد بزرگوارش حضرت سید الشهداء علیه السلام سپری نمود و لحظه به لحظه شاهد صحنه ها و حوادث این فاجعه ی خونین که در سال ۶۱ ه. ق و در ساحل فرات اتفاق افتاد، بود. او در سفر اسارت خویش به کوفه و شام و مدینه شاهد و تماشاگر قهرمانی های عمه ی شیر دل خود، بانوی قهرمان کربلا و سخنرانها و

[صفحه ۲۴]

رهنمودهای پدر عالی قدر خود امام سجاد علیه السلام بوده است.

وی از همان روز، درس شهادت و شجاعت و آزادی را در مکتب سازنده ی اهل بیت عصمت و طهارت فرا گرفت و این پرچم پر افتخار را همراه با پرچم علم و دانش بدوش کشیده است. اما به علت وجود خفقان در این دوره قیام بالسیف (مسلحانه) برای امام ممکن نشد، بنابراین با اقدام به تشکیل مجامع علمی به نشر ارزشهای اسلام و تربیت دانشمندان پرداخت. تا مبارزه را از طریق فعالیتهای فرهنگی و سری پی گیرد. او به ظاهر دست از سیاست و نبرد علنی با حکومت غاصب برداشته تا بتواند با سازمان حکومت اموی مبارزه ای اصولی و معنوی کرده و بتواند با شهامت و شجاعت خاص خود، پرچم انقلاب مکتبی و اعتقادی و عملی را در محیط اسلام برافرازد.

و لقب «باقر علوم» برای او چه بجا و حق است. اما در این زمان که سرگرم تصحیح اندیشه ها و فرهنگ جامعه است، سخت دچار محدودیت و ممنوعیتها شده است.

زمانی است که حکام فاسد

و هوسران اموی برای شکار افراد ساده لوح و بی خبر بر سر راهی دامن گسترده و اقدام به تضعیف اهل بیت و پراکندن مردم از اطراف پیشوایان بر حق خود کرده و به اختلافات فکری و اعتقادی دامن زده اند. همان گونه که اشاره شد، زندگی پر هیجان و انقلاب فرهنگی امام باقر علیه السلام مقارن با ضعف و ناتوانی حزب ستمگر و یاغی بنی امیه است. در این زمان

[صفحه ۲۵]

حکومت اموی رو به زوال نهاده است، سردمداران آن حکومت غاصب و پوسیده در راه نگهداری آن به تلاش افتاده و دست و پا می زنند، آنها با تلاش مذبحخانه قصد دارند مانع رشد و تکامل انقلاب فکری اسلامی شوند، اما غافل از اینکه سیل عظیم دانش پژوهان از سراسر کشورهای اسلامی متوجه حوزه ی درسی آن مشعلدار علم و تقوی شده و جاذبه ی امام به گونه ای است که هیچ فشار و محدودیتی قادر نیست در برابر درخشش با شکوه نور الهی حائلی ایجاد کند.

### **اشاره ای به جنایات بعضی از زمامداران معاصر با امام**

جوان: باید گفت موقعیت زمامداران عصر امام باقر علیه السلام و موضع گیری آنها مشکلات زیادی برای حضرت به وجود آورده است.

همسفر: قطعاً چنین است، تو می دانی که محمد باقر علیه السلام پس از شهادت پدر بزرگوارش از آغاز امامت تاکنون با تعدادی از زمامداران اموی معاصر بوده است.

اکنون هم روابط حکومت با اهل بیت بسیار تیره است. هنوز حادثه ی جانگداز کربلا از اذهان مردم محو نشده بود که ولید دست به جنایت دیگری زد او ناجوانمردانه امام سجاد علیه السلام را مسموم کرد و چون مورد تهدید واقع شد از ترس سرنگونی حکومت خویش مرتکب جنایاتی دیگر شده،

ساله ی خود را همزمان با امام محمد باقر علیه السلام سپری نمود و پیوسته به هوسرانی و خود کامگی مشغول بوده، او عمال ستمگر خود مانند حجاج بن یوسف ثقفی را بر سرنوشت مسلمانان مسلط کرد تا با اعمال زور و ایجاد خفقان از نشر احکام و احادیث نبوی جلوگیری شود.

حجاج خون آشام با پشت گرمی حکومت مرکزی، دست به کشتار و شکنجه های وحشتناکی زده است.

تأثیر اجتماعی این همه کشتار باعث شد جامعه ی اسلامی به علت از دست دادن نیرومند ترین رجال و رهبران خود دچار ضعف و ناتوانی شود.

جوان: آیا پس از این جنایات، مگر مردم مسلمان شاهد جنایات زمامدارانی مانند یزید بن عبدالملک نبوده اند! او که شرارت را از جد پدری خود مروان بن حکم و جد مادری اش یزید بن معاویه بن ابی سفیان به ارث برده بود مانند همانم خویش یزید بن معاویه جز عیاشی و خوشگذرانی و جنایت هدفی دیگر نداشت، هوسبازی و دلباختگی این زمامدار عیاش به حدی رسید که پس از مرگ معشوقه اش «حبابه» اقدام به نبش قبر نمود تا بار دیگر چهره ی متعفن و جسد بی جان او را ببیند، و اکنون برادرش هشام بن عبدالملک بر مردم حکومت می کند، حکومت او بر اساس زور و قدرت است، هشام نیز در میان مردم پایگاهی ندارد.

همسفر: آری هشام هم سخت ترین دوران زندگی را برای

امام باقر علیه السلام به وجود آورده است. او برای فریب مردم، امسال عازم حج شده و مدتها است که جاسوسان حکومتی اش در حال آماده باش هستند، آنها تمام مردم

را زیر نظر دارند و چنانچه با یک نفر از علویان مواجه شوند با تمام قوا مراقب او هستند.

اکنون یعنی همزمان با امام باقر علیه السلام، فرزندش امام صادق (علیه السلام) نیز در مکه به سر می برد و مدتی است که انبوه مردم از محضر پر بار یادگار پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم بهره مند می شوند.

شباهت جسمی و روحی امام علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم گروه کثیری از امت اسلامی را به خود جذب نموده است. فرزندش جعفر بن محمد صادق علیه السلام در این موقعیت حساس، در اجتماع گروهی از مردم سخن می گوید او پس از حمد و ثنای خداوند سخن خود را چنین آغاز نموده است: ستایش خدایی را سزااست که محمد صلی الله علیه و اله و سلم را به پیامبری برانگیخت و ما را وسیله ی او گرامی داشت. ما برگزیدگان خدا بر خلق او هستیم و پسندیدگان او بر بندگان او، ما نمایندگان او در زمین هستیم، خوشبخت کسی است که از ما پیروی کند و بدبخت و شقی کسی است که با ما مخالفت کرده و دشمنی ورزد.

سخنان شیوا و بیدار کننده ی فرزند امام، در مردم اثر بسیار گذاشته بلافاصله جاسوسان اموی این سخنان را به هشام گزارش می کنند.

با توجه به خشم شدیدی که در هشام به وجود آمد، به پیشنهاد یکی از نزدیکان صلاح ندید در چنین موقعیتی متعرض امام شود،

[صفحه ۲۸]

بلکه باید درد و شکنجه ی روحی را تا پایان مراسم حج و زمانی که به دمشق باز گردد و امام باقر علیه السلام نیز به مدینه

مراجعت کند تحمل کند، آنگاه با ارسال پیامی مهم و محرمانه برای فرماندار مدینه، محمد باقر علیه السلام و فرزندش را در اسرع وقت به دمشق چنین فرا می خواند: محمد باقر و فرزندش را هر چه سریعتر به دمشق روانه کن.

حاکم مدینه فرمان هشام را اجرا می کند. او امام باقر علیه السلام و فرزندش را تحت مراقبت شدید مأموران حکومتی به دمشق می فرستد.

از آن جا که دربار خلافت اغلب زمامداران اموی و از جمله هشام، از وجود چنین دانشمندانی خالی است و شعرا و داستان سُرّایان و مداحان درباری جای رجال علم را گرفته اند، هشام به فکر تشکیل مجلس مناظره نمی افتد، زیرا به خوبی می داند اگر از راه مبارزه و مناظره ی علمی وارد شود هیچ کس از رجال و درباریان او از عهده ی مناظره با امام باقر علیه السلام بر نخواهند آمد، لذا تصمیم گرفت از راههای دیگر وارد شود تا پیروزی او مسلم گردد.

جوان: می دانی هشام برای تحقیر امام از چه راهی وارد شد؟! ابتدا او را در یک مسابقه ی تیر اندازی اجباری شرکت داد تا شاید بتواند با شکست وی حضرت را در نظر مردم تحقیر کند.

### شرکت اجباری امام در مسابقه ی تیراندازی

او به این منظور پیش از ورود امام علیه السلام به قصر خلافت در روز

[صفحه ۲۹]

معین، عده ای از درباریان را به نصب نشانه و تیراندازی مشغول می کند. زمانی که امام به دمشق وارد می شود، هشام برای تحقیر و تضعیف روحیه ی او ابتدا تا سه روز اجازه ی ملاقات به وی نمی دهد، چهارمین روز، اجازه ی ورود به امام داده می شود، محمد باقر علیه السلام و فرزندش

جعفر صادق علیه السلام وارد محفل هشام می شوند، در حالی که او بر تخت سلطنت نشسته و گروهی از امرا و فرماندهان عالی رتبه در کنارش به حالت آماده باش ایستاده اند. گروهی دیگر در کنار قصر، پرده ای آویخته اند تا با پرتاب تیر به وسط هدف، مهارت و قدرت نشانه گیری خود را به هشام نشان دهند. خلیفه که از بی اعتنایی امام نسبت به خود سخت خشمگین شده بود، شروع به سرزنش کرد و پس از او اطرافیان نیز هر کدام به نوبه ی خود با سخنانی به امام اهانت کردند. امام باقر علیه السلام به پا خاست و با جملاتی محکم و متین آنها را نصیحت کرد، در حالی که تیر اندازان در حضور هشام با نشانه گیری هدف، هنر نمایی می کردند. او امام باقر علیه السلام را مخاطب ساخته، می گوید: ای محمد تو هم با مردم قوم خود در تیر اندازی شرکت کن، امام باقر علیه السلام ابتدا خودداری کرد و فرمود: من پیر شده ام، مرا معاف بدار، هشام سوگند یاد کرد که هرگز از تو نمی گذرم و مگر آنکه تیری بیفکنی.

آنگاه به اشاره ی هشام یکی از بنی امیه تیر و کمانی را به امام تسلیم کرد. حضرت تیری بر زه زد و بیفکند و در میان نشان جای داد. سپس تیری بیفکند و بر آن تیر بنشانند و همین طور سومین

[صفحه ۳۰]

و چهارمین تیر و همچنان تیر از پی تیر نشاند تا ۹ تیر که بر یک هدف فرود آمدند این عمل شگفت انگیز، حاضران را به شدت تحت تأثیر قرار داده اعجاب و تحسین همه



را برانگیخت. در این هنگام هشام که چنین مهارتی را از امام دید و حسابهایش غلط از آب درآمد و نقشه اش بر آب شد، سخت مضطرب و خشمگین شده بی اختیار و با لحنی توأم با کینه بانگ زد: ای ابا جعفر سخت نیکو تیر افکندی، تو از همه ی تیراندازان عرب و عجم برتر و داناتر هستی.

روزی امام صادق علیه السلام فرمود: هشام تا آن زمان به خون پدرم نیندیشیده بود، اما در این وقت بود که تصمیم به قتل او گرفت. سر به زیر افکند، پس از مدتی که من و پدرم را همچنان ایستاده نگه داشت، ما را به نزد خود نشانده و رو به پدرم کرد و گفت: این تیر اندازی را از که آموختی؟! یقین دارم که در تمام روی زمین هیچ کس نتواند چنین تیر افکند، آیا جعفر نیز مانند تو در تیراندازی مهارت دارد؟ امام فرمود: ما خاندان رسالت همه ی کمالات ظاهری و باطنی، علم، کمال و توانایی در کار را که خداوند در سوره ی مائده به آن اشاره فرموده [۱۲] از یکدیگر به ارث می بریم و هیچ گاه زمین از چنین افرادی خالی نخواهد ماند. چهره ی هشام با شنیدن این سخن از

[صفحه ۳۱]

شدت خشم بر افروخته شد. سر به زیر افکند تا در اندیشه که با طرح سؤالاتی بتواند امام را مغلوب کند. پس از آن سؤالاتی را مطرح کرد که حضرت با بیانی صریح و روشن به پاسخگویی پرداخت.

همسفر: آری با بررسی موقعیت امام و برخوردهای دیگر او با هشام معلوم می شود که خلیفه از پایگاه اجتماعی امام محمد باقر علیه السلام و

فرزند بزرگوارش سخت بیمناک بود، از این جهت به حاکم مدینه دستور می دهد که هر دو را به شام روانه سازد.

جوان: قطعاً می دانی که مسافرت حضرت به شام هر چند اجباری بوده و هشام بسیار می کوشید که پدر و پسر را در برابر چشم مردم شام کوچک کند، اما پیروزی او در مسابقه ی تیراندازی و مناظره ی حضرت با اسقف بزرگ مسیحیان به امام عظمت بخشید که همه ی مردم شام از مقام شامخ حضرت آگاه شدند و خلیفه مجبور شد هر دو را مرخص کند و آنان را به مدینه باز گرداند.

همسفر: باید گفت که امام محمد باقر علیه السلام در دوران امامت خویش با چنین مدعیان خلافت روبه رو بوده، اما در عین حال از طریق تعلیم و تربیت، جنبش علمی دامنه داری را به وجود آورد و مقدمات تأسیس یک دانشگاه اسلامی را در دوران امامت خود پی ریزی نمود که در زمان فرزند بزرگوارش امام صادق علیه السلام کاملاً شکل خواهد گرفت.

جوان: در واقع نیز چنین است زیرا شرایط پیچیده ی زمان امام باقر علیه السلام مجالى جز نشر حدیث و گسترش تعالیم اسلامی به آن

[صفحه ۳۲]

حضرت نمی دهد و بدین جهت است که علوم باقری در عصر خود زبانزد خاص و عام گردیده و مسلمانان را با معارف و مضامین عالی اسلامی و تفسیر قرآن و احکام آن آشنا ساخت و مکتب پر بار آثار درخشان علمی ایشان شخصیتهایی را پروراند که هر یک از آنها راویانی بر جسته و فقهایی بلند مرتبه هستند و در این مورد پیشگویی پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم را به ثبوت

همسفر: تو که از دانشجویان امام و پرورش یافته‌ی مکتب علمی و ادبی و پیوسته در مدینه در محضر درس آن حضرت بوده و هدف ایشان را از تربیت دانشمندان درک کرده‌ای، یقیناً خاطراتی بس شیرین و آموزنده به یاد داری و بسیاری از اندیشمندان و محققان و شاگردان آن مکتب علمی را می‌شناسی.

جوان: طبیعی است وجود چهره‌های علمی و معنوی و دانشمندان تربیت شده در مکتب امام که همه افراد عالم و فقیه و مدبر و آگاه به اوضاع زمان هستند و در جامعه با درایت و بینش عمیق به نقل و نشر احادیث امام می‌پردازند ترسیم‌کننده‌ی سیمای علمی و قیام فرهنگی آن حضرت علیه حکام ستمگرند، زیرا یکی از حلقه‌های ارتباطی میان حضرت و شیعیان و جامعه، اصحاب و شاگردان امام هستند. آنان ناقلان دانش، اخلاق و پیام امام و حافظان احادیث شیعه از گزند حوادثند. روزی امام صادق (علیه السلام) در این باره فرمود: هیچ کس نام ما و احادیث پدرم را زنده نکرده مگر زراره، ابو بصیر، لیث مرادی، محمد بن مسلم و برید بن معاویه

[صفحه ۳۳]

العجلی که در استنباط احکام سر آمد بودند. و اما باقر علیه السلام فرمود: اگر این‌ها نبودند احادیث ما بیان و تشریح نمی‌شد. آنان نگهبان دین و امین پدرم در حلال و حرام خدا و سبقت‌گیرندگان به سوی ما در دنیا و آخرتند [۱۳].

همسفر: البته باید گفت موقعیت سیاسی به گونه‌ای است که اغلب صحابه‌ی ائمه برای رهایی از تعقیب عمال حکومت و دشمنی مخالفان، هنگام نقل روایات، کمتر از نام امام استفاده می‌کنند.

کنند، به عنوان مثال یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام ابراهیم بن عبدالحمید صنعانی را می شناسم که سخنان حضرت را در مسجد کوفه روایت می کند و از امام با عنوان «ابو اسحاق» یاد کرده و می گوید: «قال ابو اسحق و فعل ابو اسحاق کذا، یعنی ابو اسحق گفت و ابو اسحق چنین ذکر کرد» و منظورش امام صادق علیه السلام است.

جوان: خدا نگهدارت باد که به این مطلب اشاره نمودی، در ادامه ی سخن باید گفت مدت ۱۹ سال امام باقر علیه السلام که به ترویج احکام و بیان حقایق و تفسیر معضلات قرآن پرداخت و عده ی زیادی از شهرهای مختلف رو به مدینه آورده و از محضر درس آن حضرت کسب علم نمودند. من پیوسته افتخار شرف یابی به حضور امام علیه السلام را داشته و شاهد بوده ام که محضر امام مکتبی تربیتی و مدرسه ای علمی و اجتماعی و از پر بارترین حوزه های درسی جهان اسلام به

[صفحه ۳۴]

شمار می رفت. هر دانش پژوهی به این محفل علمی راه می یافت و با مسأله یا مشکلی رو به رو می شد، به آسانی از آن منبع فیض و کمال بهره می گرفت.

### **سیره ی عملی امام باقر**

همسفر: خدا یار تو بود که ایامی از عمر خویش را با محمد باقر علیه السلام سپری کردی، در این مدت شاهد فراز و نشیب هایی از زندگی علمی و سیاسی امام باقر علیه السلام بوده ای و قطعاً تجلی دانش و حکمت آن حضرت را در سیره ی علمی ایشان و نیز حضور سازنده و مؤثر او را در جامعه دیده ای و تردیدی نیست

که بیان گوشه ای از سیره ی عملی او راهنمای ما به سوی سعادت است لذا بر ماست که سیره ی عملی پیشوای مان را به دیگران رسانده و خود نیز بدان عمل کنیم.

جوان: آری از آنجا که امام نمونه ی والای انسانیت بوده و زندگی او آئینه ی تمام نمای زندگی شرافتمندانه ی یک انسان متعالی است، لذا رفتار و کردار وی نمونه و الگو می باشد. با نگاهی گذرا به زندگی امام باقر علیه السلام در می یابیم که یکی از ویژگیهای آن حضرت جامعیت ایشان است، به این معنا که وی در اوج توجه و ارج گذاری به علم و دانش، هیچ گاه از فضایل اخلاقی و روحی غافل نبوده و زهد و تقوای او و پرداختن به معنویات، وی را از زندگی مادی و آموزشهای اجتماعی باز نمی داشت. امام بر این عقیده است که کار

[صفحه ۳۵]

و کوشش در نزد خدا امری محبوب و پسندیده است و موجب نزدیکی انسان به خدا می شود. محمد بن منکدر می گوید: روزی از روزهای گرم تابستان به جایی در اطراف مدینه رفته بودم، در آنجا امام باقر علیه السلام را که مردی فربه بود دیده که با دو تن از خدمتکارانش مشغول کار و تلاش بود. با خود گفتم: بزرگی از بزرگان قریش در این ساعت گرم و با این حالت در طلب دنیا می کوشد؟! به خدا سوگند باید او را اندرز دهم. پس به او نزدیک شده و سلام کردم، او نفس زنان و عرق ریزان با گشاده رویی سلام مرا پاسخ داد. به او گفتم: خداوند اصلاحت کند، بزرگی از بزرگان چون شما در این ساعت

و با این حالت در طلب دنیا می کوشد؟! اگر در این حال مرگ فرا رسد، چه خواهید کرد؟ امام دست از دست خدمتکارانش رها کرد، بر پای خویش ایستاد و فرمود به خدا سوگند اگر در این حال مرگ به سراغم آید، در حالی به سراغم آمده است که به اطاعت خداوند مشغولم، زیرا بدین کار خود را از تو و دیگران بی نیاز می کنم، من از این می ترسم که مرگ زمانی فرا رسد که به نافرمانی خدا مشغول باشم. محمد بن منکدر می گوید: با شنیدن این سخن به امام عرض کردم: خدایت رحمت کناد خواستم شما را پندی داده باشم، اما شما مرا نصیحت کردید.

همسفر: می دانم که علاوه بر کارهای علمی و فرهنگی و لزوم تلاش برای کسب معاش، حضور در جامعه، خدمت به اجتماع مسلمانان، رسیدگی به محرومان و رفع نیازهای مردم نیز از

[صفحه ۳۶]

اهم برنامه های آن حضرت بود.

جوان: در این باره سخن ابو حمزه ی ثمالی را به یاد آوردم که گفته است: روزی در مسجد رسول خدا نشسته بودم، مردی وارد شد و سلام کرد. او در جستجوی ابو جعفر، محمد باقر علیه السلام بود و اظهار می داشت که چهل مسأله دارم تا از او بپرسم، و آنچه را که حق است بپذیرم. از او پرسیدم آیا تو فرق بین حق و باطل را می شناسی؟ آن مرد گفت آری. در این موقع گروهی از مردم خراسان و عده ای دیگر از مردم که در اطراف او بودند و مسائل حج را سؤال می کردند وارد شدند آن مرد نیز به امام نزدیک شد. مسائل خود

را مطرح کرد و امام پاسخ لازم را به او داد.

ابو بصیر گوید روزی امام باقر علیه السلام در مسجد الحرام نشسته بود، در حالی که گروهی از دوستدارانش گرد او بودند. ناگاه طاووس یمانی با جمعی از همراهانش وارد شد پرسید: مردم به دور چه کسی گرد آمده اند؟ گفتم به دور محمد بن علی علیه السلام طاووس یمانی گفت: من هم با او کار دارم. پس جلو رفت و سلام کرد و نشست. به امام گفت آیا اجازه می دهید سؤالاتی را از شما بپرسم؟ امام فرمود: آری بپرس. طاووس یمانی سؤالات خود را طرح و از امام پاسخ کامل دریافت نمود.

همسفر: چه خوب شد که درباره ی مرجعیت و پاسخگویی حضرت به پرسشهای مردم، سخنی به میان آوردی. می دانی جود و بخشش امام نیز به گونه ای است که هرگاه نیازمندی به امام باقر علیه السلام

[صفحه ۳۷]

روی آورد با پاسخ منفی رو به رو شد. محمد باقر علیه السلام هیچ گاه از بخشش به برادران و کسانی که به وی روی می آوردند ملول نمی شد. او پیوسته این حدیث را از جد بزرگوارش رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم روایت می کرد که می فرماید: سخت ترین کارها سه کار است:

۱- هنگام بخشش مال، برادران دینی را یکسان دیدن. ۲- با مردم به طریق انصاف رفتار کردن. ۳- در تمام حالات به یاد خدا بودن [۱۴].

امام محمد باقر علیه السلام بسیار صدقه می داد و می فرمود: صدقه در روز جمعه، بدلیل فضیلت این روز بر دیگر روزها، دو چندان می شود. از عمرو بن دینار و عبدالله بن عبید شنیدم

که می گفتند: به دیدن امام محمد باقر علیه السلام نرفتم مگر این که امکانات مالی و پوشاک و هدایایی در اختیار ما می گذاشت و می فرمود: اینها قبل از دیدار برای شما مهیا شده بود.

جعفر صادق علیه السلام فرمود: روزی به حضور پدرم رسیدم در حالی که هشت هزار دینار را بین فقرا و نیازمندان تقسیم می کرد. آن حضرت همچنین یازده برده را آزاد کرد. یکی از خدمتکاران خانه ی محمد باقر علیه السلام به نام سلمی می گوید: هر وقت دوستان و آشنایان امام به میهمانی آن حضرت می آمدند از نزد امام خارج نمی شدند مگر این که بهترین غذاها را تناول کرده و گاهی نیز از امام پول و لباس

[صفحه ۳۸]

دریافت می کردند.

سلمی گوید: با امام درباره ی این که ایشان مخارج سنگینی را تحمل می کنند سخن می گفتم امام فرمود: ای سلمی نیکی دنیا پیوند با برادران و رسیدگی به دوستان و آشنایان است. [۱۵].

سلمی گوید: آن حضرت گاهی پانصد گاهی ششصد و زمانی تا هزار درهم هدیه می داد. اسود بن کثیر می گوید: تهی دست شدم، برادران و دوستانم به من کمک نکردند و چون از نیازمندی خود و جفای برادران به امام باقر علیه السلام شکایت کردم امام فرمود: بد برادری است آن که به هنگام ثروت با تو دوستی کرده به هنگام فقر و نیازمندی پیوند خویش را با تو قطع کند [۱۶].

آن گاه امام به خدمتکار خویش دستور داد هفتصد درهم بیاورد و به من فرمود: این مقدار را خرج کن، چون به همه مصرف رساندی و تمام شد مرا از حال خود آگاه



## محبت نسبت به خانواده

جوان: آری خدایت رحمت کناد، اکنون پس از مقدمه ای کوتاه، سخنی در محبت امام نسبت به خانواده برایت بگویم.

تو می دانی صحیح ترین شکل محبت و عاطفه نسبت به

[صفحه ۳۹]

خانواده و تربیت فرزندان و ایجاد تعادل میان عواطف و ارزشها در مکتب اهل بیت علیهم السلام دیده می شود، زیرا چنین عاطفه و تربیتی معلول رعایت کامل ارزشهای دینی و الهی است. مسلم است به کارگیری معیارهای دینی و توجه کامل به فرامین الهی در اعمال محبت و عاطفه نسبت به خانواده و تربیت فرزندان ضامن سعادت ابدی آنها و خیر و صلاح والدین است. در گروهی از مردم دلبستگی به خانواده و فرزندان به گونه ای است که در اداره ی زندگی بعد معنوی پرورش فرزندان و ارزشهای دینی و دستورات الهی را رها کرده و تنها به بعد مادی و ظاهری آن پرداخته اند. بدیهی است عدم توجه به فرامین الهی و رها کردن معیارهای دینی در پرورش فرزندان، شکل گیری ایمان و معتقدات آنها را به خطر انداخته و آنان را در معرض تزلزل و انحراف و در نهایت شکست و ناکامی قرار می دهد. گروهی دیگر از مردم چنان گرفتار تعصبات جاهلانه شده اند که توحید و محبت به خدا را در سایه ی بی توجهی به دنیا و در نتیجه بی مهری نسبت به خانواده و فرزندان و رها کردن آنها می دانند، به گونه ای که در مرگ عزیزترین نزدیکانشان کمترین تأثیری به خود راه نمی دهند. این دسته دنیای خود را به خیال کسب آخرت ترک کرده اند.

این دو گروه یا پایبند به دین نیستند و یا دین

را از طریق غیر اهل بیت آموخته اند. اینان در مسائل عاطفی و تربیتی گرفتار افراط و تفریط شده و در پیشگاه عدل الهی مسؤول اند.

[صفحه ۴۰]

امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

کسی که دنیای خود را به خاطر کسب آخرت ترک کند و یا آخرت خود را به خاطر طلب دنیا رها سازد از ما نیست [۱۷].

به یاد دارم که یکی از یاران محمد باقر علیه السلام می گفت: عده ای به قصد دیدن امام باقر علیه السلام به خانه ی او وارد شدند، پس از ورود دریافتند فرزند خردسال امام بیمار است و غم و اندوه فراوانی را در چهره ی حضرتش مشاهده کردند، به گونه ای که قرار و آرام نداشت، با خود گفتند اگر به امام معصیتی وارد شود ممکن است از شدت ناراحتی عکس العملی نشان دهد که از او انتظار نمی رود. در این اندیشه بودند که ناگهان صدای شیون و زاری بلند شد، دریافتند که کودک جان سپرده است. در این لحظه امام با چهره ای گشاده و حالتی متفاوت با آنچه پیش از این داشت بر آنان وارد شد، مهمانان عرضه داشتند فدایت شویم، ما از روحیه ای که شما پیش از این داشتید نگران شدیم.

امام پاسخ داد: ما دوست داریم که فرزندانمان دور از درد و رنج بوده و سالم بمانند، اما چنانچه امر و تقدیر خدای متعال تحقق یابد، در برابر خواست خداوند تسلیم هستیم. معلوم است که امام از روحیه ی رضا و تسلیم در برابر اوامر الهی برخوردار است و برخورداری از چنین روحیه ای دلیلی بر عدم احساسات و عواطف انسانی نیست.

همسفر: علاوه

حقوق مالی مردم و ارزشهای اخلاقی انسان و صفاتی مانند صبر و شکیبایی و بردباری در خاندان رسالت به حد نهایی خود رسیده و این صفات از ویژگی های یک مسلمان واقعی در روابط اجتماعی است. در این موضوع برخورد مردی مسیحی را با امام باقر علیه السلام و خویشتن داری حضرت در برابر او را به یاد دارم. بیاد دارم که مرد مسیحی با امام باقر علیه السلام برخورد کرد و از روی کینه زبان به بدگویی و اهانت گشود. وی به امام گفت: ایها البقر امام بدون کوچکترین خشم و عکس العملی فرمود: من باقرم. مرد مسیحی مجدداً به قصد طعنه به امام گفت: تو فرزند زنی آشپز هستی! امام با آرامش فرمود: آشپزی حرفه ی او بود. مرد مسیحی که خود را شکست خورده و ناتوان از به خشم آوردن امام دید. گفت: تو فرزند آن زن سیاه چرده ی زنگی و ... هستی! امام با کمال آرامش فرمود: اگر راست می گویی خداوند او را بیامرزد و اگر دروغ می گویی خداوند تو را بیامرزد. در این هنگام مرد مسیحی نهایت حلم و بردباری را از امام باقر علیه السلام مشاهده و دریافت که امام علی رغم موقعیت علمی و اجتماعی خود در برابر بد زبانی او هیچ گونه عکس العمل نامناسبی از خود نشان نداد و با کمال شکیبایی به سخنان او پاسخ داد. پس از آن بسیار شرمنده شد و از امام پوزش خواست و مسلمان شد.

جوان: در ادامه ی سخت باید بر صاحبان خرد پوشیده نیست که چنین صبر و شکیبایی در برابر نا

بخردان نتیجه ای سازنده و عکس‌العملی نیکو دارد و این گونه صبر و تحمل را تنها در پیروان

[صفحه ۴۲]

مکتب اهل بیت می توان یافت.

اما درباره ی اهتمام حضرت به رعایت حقوق مالی افراد که بدان اشاره کردی، از ابو ثمامه سخنی شنیده ام، او می گوید: چون خواستم در مکه اقامت کنم به امام باقر علیه السلام عرض کردم فدایت شوم می خواهم در مکه سکنی گزینم و مقیم شوم اما یکی از مرجئه [۱۸] از من طلبکار است، در این باره چه می فرمائید؟

امام فرمود: به سوی طلبکارت برگرد و قرضت را پرداز و گونه ای زندگی کن که هنگام مرگ بدهکار کسی نباشی. همانا مؤمن خیانت نمی کند.

همسفر: آه، گویی به پایان راه رسیده ایم و وقت جدایی است، من هرگز این ساعات خوش مصاحبت با تو را از یاد نمی برم، چه مرا شاد کردی توفیق هر چه بیشتر حضور در دانشگاه امام و کسب علم و فضیلت را برایت آرزومندم.

جوان: من نیز از جدا شدنمان بس اندوهگینم، اما گویی چاره ای نیست زیرا تو راه و کاری دیگر داری و من نیز در پی حاجتی دیگرم. شاید ملاقاتی دیگر نصیبمان شود و به مصداق: «عند ذکری الصالحین تنزل الرحمه» با ذکر خصال امام علیه السلام مشمول الطاف و رحمت الهی شویم. خدا یار و نگهدارت باد.

[صفحه ۴۳]

## ملاقاتی دیگر

### اشاره

همسفر: پدر و مادرم به فدایت تو همان دانشجوی جوان نیستی که در گذشته ای بس دور در راه مدینه با تو همسفر بودم و از امام محمد باقر علیه السلام سخن می گفتمی و قصد درک محضرش را داشتی؟ چه پیر شده ای؟! -

آری چنین است. چرا مدت‌هاست از آن زمان می‌گذرد و سالها مباحثی حضور در جلسات درس امام باقر علیه السلام بودم، ساعتی که جلسه درس در دانشگاه امام (مسجد مدینه) تشکیل می‌یافت، مملو از دانشجویانی می‌شد که از کوفه و بصره و حجاز و ... برای ادامه‌ی تحصیل بدانجا آمده بودند. از آن زمان تاکنون صدها دانشمند از دانشگاه امام فارغ‌التحصیل شده و اکنون در شرق و غرب بلاد اسلامی به تدریس اشتغال دارند. من نیز پس از فراغ از تحصیل مدتی است که عهده دار تدریس همسفر: جای بسی افتخار است هم صحبت شدن با کسانی چون تو که سالها از عمر خویش را در محضر امام سپری کرده و پس

[صفحه ۴۴]

از بهره گرفتن از دانش سرشار او، به مقام استادی رسیده و از آن دانشگاه عظیم فارغ‌التحصیل شده‌اند. استاد بیاد داری زمانی را که پیرامون شخصیت والای امام باقر علیه السلام سخن رانیدیم و از امامت آن حضرت و عظمت علمی و پاره‌ای از فضایل و مناظرات او و از خلفای معاصر با امام و شاگردان و تربیت یافتگان مکتبش با یکدیگر صحبت می‌کردیم؟

استاد: آری، به یاد دارم.

همسفر: راستی مگر تو جابر را نمی‌شناختی که از آن سخنی به میان نیاوردی؟!

استاد: کدام جابر؟!

همسفر: جابر جعفری.

### معرفی جابر جعفری

استاد: جابر جعفری را به خوبی می‌شناسم، او جابر بن یزید جعفری، از تربیت یافتگان و شاگردان ممتاز مکتب امام باقر و از مردم کوفه است که برای درک محضر امام و استفاده از دانش آن حضرت، در مدینه سکنی گزید، و زمانی بس دراز از عمر خود

را با امام باقر علیه السلام سپری نمود، در سفر حج، مسجد و مجلس درس آن حضرت همراه ایشان بود، او به مراتب علمی بالائی دست یافت و اکنون که روزگار امام صادق علیه السلام است در قید حیات بوده و از محضر پر فیض ایشان استفاده می کند. امتیازات علمی و معنوی جابر به

[صفحه ۴۵]

گونه ای بود که، وقتی از امام صادق علیه السلام سؤال شد، جایگاه جابر نزد شما چگونه است؟ حضرت فرمود: «جابر نزد ما مانند سلمان نزد پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم است» زیرا جابر پس از امام باقر علیه السلام از جمله ی بزرگان اصحاب امام صادق علیه السلام و از نیاکان و پاکانی است که حضرت او را به بهشت بشارت داد. روزی به جابر گفته شد، تو از تربیت یافتگان ممتاز حوزه ی درسی امام باقر علیه السلام هستی و هفتاد هزار حدیث که همگی از اسرار است از ایشان شنیده ای و به هنگام نقل حدیث از امام، می گویی: «حدیثی وصی الاوصیاء و وارث علم الانبیاء...»

جابر گفت: البته چنین است، اما اجازه ی نقل همه ی احادیث را ندارم. هنگامی که کثرت اسرار بر وجودم سنگینی می کند و گاهی که نیروی تحمل این اسرار را در خود ندیده حالی چون دیوانگان می یابم، به دستور امام روی به صحرا آورده، گودالی حفر کرده و سر در آن فرود برده و می گویم: «محمد بن علی چنین گفت» «محمد بن علی چنان گفت» تا آرام شوم.

همسفر: اکنون که از مقام جابر نزد امام باقر علیه السلام صحبت شد به یاد آوردم که روزی جابر سخنی از

آن امام درباره ی معیار دوستی آل محمد و نیز ناپایداری دنیا گفت، او می گفت: امام باقر علیه السلام به من فرمود: ای جابر سلام مرا به دوستان و پیروان ما برسان و به آنها بگو: هیچ خویشاوندی میان ما و خدای ما نیست و هیچ کس نمی تواند به پروردگار نزدیک باشد، مگر به اطاعت و فرمانبرداری از او ... آنگاه فرمود: ای جابر کسی که به فرمان خدا عمل کرده و ما

[صفحه ۴۶]

را دوست داشته باشد، دوستی ما او را سود دهد و هر که معصیت خدا کند به هیچ شکل محبت ما او را سودی نرساند [۱۹] پس جابر سخنی دیگر از امام را در وصف مومنان واقعی و شیعیان بیان کرد: او گفت: امام باقر علیه السلام به من فرمود: ای جابر! آخرت، خانه ی آرامش و همیشگی و دنیا، خانه ی ناپایداری و نیستی است. اما دنیا دوستان گرفتار غفلتند و مؤمنان اهل اندیشه و عبرت و دارای درکی عمیق هستند، پیامها و شنیدنی های دنیایی گوش آنها را از یاد خدا کر نمی کند و تجملات و زینتهای دنیا چشم آنها را بر یاد خدا کور نمی سازد [۲۰].

جابر می گفت: امام در وصف شیعیان نیز به من می فرمود: ای جابر! اگر کسی تنها ادعا کند که شیعه بوده و ما اهل بیت را دوست دارد آیا همین بس است؟! به خدا سوگند شیعه ی ما نیست مگر آن که از مخالفت با خدا پرهیزد و خدا را اطاعت کند. ای جابر شیعیان ما شناخته نمی شود مگر به داشتن صفت تواضع و خشوع و

[صفحه ۴۷]

امانتداری و پیوسته به یاد خدا

بودن و روزه و نماز به جای آوردن و نیکی به پدر و مادر و رسیدگی به همسایگان و تهیدستان و جز با عمل و پرهیز از گناه به ولایت ما نمی رسند. سپس به امام عرض کردم: اگر شیعه باید چنین صفاتی را دارا باشد اکنون من شیعه ای نمی شناسم. [۲۱].

استاد: در گذشته از تجلی دانش در سیره ی عملی امام باقر علیه السلام سخن به میان آمد، چه به جا است که اکنون نگاهی گذرا به کلام حکیمانه ی آن حضرت نیز داشته باشیم تا تجلی عظمت علمی امام باقر علیه السلام را در سخنان گهربار ایشان نیز شاهد باشیم. زیرا جلوه ی حق را در کلام خاندان رسالت و اهل بیت پیامبر می یابیم و گفتار عالمانه و حکیمانه ی ایشان، راهگشا و درسی برای حق جویان و حق طلبان است.

### تجلی عظمت علمی امام در سخنان او

همسفر: آری خوب گفتی! لازم است پیش از بیان برخی سخنان و دستورات سازنده ی امام باقر علیه السلام که نمایانگر اندیشه و شخصیت علمی و معنوی ایشان است مقدمه ای کوتاه بیاورم: بر اساس احادیثی که در وصف ائمه و سخنانشان آمده، کلام امام

[صفحه ۴۸]

نور هدایت و راهنما به سوی تکامل است، تکاملی در سایه ی تقوی.

زیرا امامت، مقام والای الهی است و امام در حقیقت پس از پیامبر، یک کارشناس و اسلام شناس کامل از جانب خدا است. مسلم است این شایستگی و احراز مسؤولیتهای اجتماعی، مشروط به داشتن علم و برخوردار بودن از عصمت است. زیرا که نیل به مقام امامت، از دیدگاه عقل و از نظر اسلام، بدون علم، نه امکان پذیر است و نه چنین مقامی شایسته ی جامعه ی اسلامی است، آن



هم اسلامی که در احادیث و کتاب آسمانیش این همه برخوردار از علم مورد تأکید قرار داده و جاهل و جاهل را نکوهش کرده است.

: البته تشخیص چنین مقام الهی (علم و عصمت) خارج از توان بشر است - زیرا تنها خدای بزرگ، عالم به تمام مکنونات افراد بوده و می تواند چنین انسانهایی را به مردم معرفی کند، تا «أولو الامر» و «واجب الاطاعه» بودن آنها لازم آید، چه اینکه اطاعت از فاقد علم، خود نوعی تشویق در پیری از رفتار جاهلان است. اکنون بجا است صاحبان خرد و اندیشمندان و حق طلبان، به سخنان حکیمانه و رهنمودهای عالمانه ی ائمه علیه السلام که در قالب خطبه ها و نامه ها و دستورالعملهای سازنده آمده، نظر افکنند و آنها را با آثار علمی مدعیان علم و غاصبان امامت مقایسه کنند، تا با این مو شکافی ها حقیقت امامت و رهبری در سیمای خاندان رسالت مشاهده شود.

همسفر: به یقین همین است و سخنان سازنده ی ائمه در

[صفحه ۴۹]

موضوعات مختلف، خود نمایانگر علم و عصمت آنها است. امام ابو جعفر محمد باقر علیه السلام در باب عقل و خدا شناسی و ارزش دانش و کسب آن و در مورد شخصیت انسانها و توجه به دنیا و آخرت و مسائل دیگر، سخنان بسیاری دارند.

امام عقل را یک موهبت الهی دانسته و فرموده اند: عقل بالاترین مخلوق خداوند و بزرگترین وسیله ی زندگی معنوی و مادی انسان است. این موهبت الهی چنانچه با خطاهای نفسانی و لغزشهای مادی آلوده نگردد چراغی فروزان فرا راه بشر و وسیله ی شناخت ارزشهای والای معنوی است.

از آن جا که اسلام دین عقل و فطرت است، در

تمام شؤون زندگی، انسان را به تفکر و تعقل واداشته و از او خواسته است تا به مدد این عطیه ی الهی به واقعیتها که آگاه شدن به خالق موجودات و راه یافتن به اسرار هستی و آشکار ساختن گنجینه های پنهان دانش است پی برد. امام باقر علیه السلام شناخت ارزشهای والای ایمان را متکی بر تعقل و تفکر دانسته و می فرمایند: خداوند در روز حساب انسانها را به اندازه ی عقلی که به آنها داده مورد سؤال قرار می دهد [۲۲].

در آفرینش عقل نیز می فرماید: خداوند همینکه عقل را آفرید او را مورد سؤال قرار داد، او را گفت پیش آی پیش آمد، و پس دستور داد باز گرد، باز گشت، آنگاه خداوند فرمود: به عزت و

[صفحه ۵۰]

جلالم سوگند، هیچ مخلوقی را محبوبتر از تو نزد خود نیافریدم، تو را تنها در بندگانی کامل می کنم که دوستشان بدارم [۲۳] همانا امر و نهی و کیفر و پاداشم بر گناهان و اطاعت متوجه توست.

از این دو حدیث در می یابیم که پاداش و کیفر انسانها در روز جزا متوجه عقل شده و وابسته به مقدار عقل و اتکا به آن است. دیگر این که عقل در برابر امر و نهی خداوند تسلیم محض است.

معرفت به خدا شرط بندگی و عبادت انسان است به در گاه او، اصل معرفت و شناخت خدا در فطرت انسان وجود دارد، یعنی ایمان به خدا از سرشت هر کس مایه می گیرد. در این موضوع مشاهده می شود امام باقر علیه السلام بخش مهمی از درسها و سخنان خود را بدان اختصاص داده و می فرماید: شناخت و

معرفت به باری تعالی یاد خدا را در بر دارد و سعادت‌مند کسی است که پیوسته به یاد خدا بوده و هیچ گاه از ذکر او خسته و ملول نشود [۲۴].

حضرت به ابو حمزه می‌فرماید: کسی خدا را به حق پرستش می‌کند که نسبت به او شناخت داشته باشد، اما کسی که درباره‌ی خداوند شناخت درستی ندارد، خدا را سطحی و به گمراهی می‌پرستد. به امام گفتم فدایت شوم معرفت و شناخت خدا چیست

[صفحه ۵۱]

فرمود: تصدیق خدای عزوجل و رسول خدا و داشتن محبت علی و پیروی از دستورات او و ائمه‌ی برحق و بیزاری جستن از دشمن آنها، این چنین خدای عزوجل شناخته می‌شود [۲۵].

و در جایی دیگر آمده است که پس از بیان امام، به گونه‌ای دیگر از وی سؤال شد: شناخت از خداوند چه اندازه ضروری است؟ و کمتر از آن کافی نیست، امام فرمود: ضروری‌ترین مرحله‌ی شناخت خدا این نیست که انسان بداند هیچ چیز مانند او نیست و هیچ موجودی به خداوند شباهت ندارد و پیوسته عالم، شنوا و بیناست [۲۶].

با وجودی که قسمتی از درسهای امام باقر علیه السلام درباره‌ی اثبات و توصیف خدا و بیان ویژگیهای اوست و امام بحثها و استدلالاتی در این زمینه بیان فرموده‌اند، اما آن حضرت در سخنانی، مردم را از تفکر در ذات باری تعالی و گفتگوهای بی حاصل که رنجش و خصومتی در پی دارد، نهی فرموده است. آن حضرت در این موضوع می‌فرماید: از تفکر و اندیشه در ذات خدا دوری کنید، اما چنانچه بخواهید به عظمت و بزرگی او پی ببرید،

آفریده های او اندیشه کنید [۲۷].

### خلوص در بندگی خدا

امام باقر علیه السلام می فرماید: بنده ی خدا به مرتبه ی بندگی نمی رسد مگر آن که از همه ی خلق ببرد و تنها به او توجه کند. [۲۸].

چون شناخت ارزشهای دینی و پی بردن به فلسفه احکام، نیاز به فرا گرفتن علم و کسب دانش دارد و با توجه به اهمیتی که قرآن و پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم برای علم آموزی قایلند، امام باقر علیه السلام برای شناخت و آگاهی کامل از احکام و دستورات الهی، امت اسلامی را به تحصیل و کسب دانش فرا خوانده است.

آن حضرت در سخنان گهربار خود به توصیف دانش و برتری دانشمند بر عابد پرداخته و تحصیل علم را حسنه و طلب آن را عبادت و تلاش در این راه را جهاد دانسته، می فرماید: علم را فرا گیرید زیرا تحصیل علم حسنه و طلب آن عبادت و بحث درباره ی مسائل علمی تسبیح و کوشش در جستجوی علم، جهاد و آموزش آن به دیگران صدقه و قرار دادن آن در اختیار اهلس مایه ی تقرب به خداست، دانش، میوه ی بهشت است، مونس ی به هنگام ترس، همدمی در غربت و دوستی در وقت تنهایی و راهنمایی در خوشیها و

یاوری در سختیها و موجب ارجمندی نزد دوستان است. [۲۹].

و فرموده است: علم در انسان درختی را مانند که ریشه اش عقل است و نیز در تعلیم علم به اهل ایمان و پاکی می فرماید: خداوند رحمت کند بنده ای را که علم را زنده کند. از امام سؤال شد زنده کردن علم به چیست؟ فرمود: به این که علم

را با اهل دین و تقوی در میان گذاشته و با آنان مذاکره کند [۳۰] معلم و فراگیر هر یک پاداشی دارند، اما پاداش معلم برتر است، پس علم را از اهل آن فراگیرید و به دیگران بیاموزید همان گونه که عالمان به شما آموزش دادند و دانش خود را در اختیار شما قرار دادند [۳۱] امام فرمود: عالم و دانشمندی که مردم از دانش و تقوایش بهره گیرند برتر از هفتاد عابد است. [۳۲] امام باقر علیه السلام سوگند یاد کرده می فرماید: مرگ یک عالم در نظر شیطان بهتر از مرگ هفتاد عابد

[صفحه ۵۴]

است [۳۳] امام در سخنی دیگر سوء استفاده از علم را منع کرده و فرموده است: کسی که علم را بیاموزد تا با علم خود بر دانشمندان فخر فروشد، یا با افراد ساده لوح جدل و ستیزه کند، یا نظر مردم را به خود جلب کرده و شیفته ی خود سازد، جایگاه او در آتش است، همانا ریاست جز برای اهل آن شایسته نیست [۳۴].

در مورد اخلاق، امام می فرماید: سه صفت است که از ارزشهای والای اخلاقی به شمار می آیند: عفو و گذشت نسبت به کسی که به تو ستم کرده است، پیوند و برقراری رابطه ی دوستی با کسی که از تو بریده است و بردباری نسبت به کسی که در برابر تو رفتاری جاهلانه و خشمگینانه داشته است [۳۵].

جوان: امام باقر علیه السلام تنها راه انسانها به سوی کمال را معرفت و آشنایی آنها به حقایق اسلام دانسته که مهمترین اصل علمی و عملی است و در این مورد فرموده اند: هیچ عملی بدون معرفت پذیرفته

نمی شود و معرفت هم بدون عمل ممکن نیست، هر که رشد ذهنی یابد و خدا را بشناسد، همان معرفت او را به عمل راهنمایی و

[صفحه ۵۵]

به انجام وظایف دینی می کشاند و آن که از معرفت به دور افتد بی شک عملی منطبق با دستورات اسلام نخواهد داشت [۳۶].

به یاد دارم که در مورد شخصیت انسانها از امام سؤال شد: با ارزش ترین مردم کیست؟

امام فرمود: هر که وابستگی به دنیا را برای خود ارزشی نداند [۳۷] یعنی شخصیت را به مقام و ثروت نداند.

و درباره پر حسرت ترین مردم می فرمود: بیشترین حسرت در قیامت نصیب کسی است که عدالت را بستاید اما خود در برخوردهای اجتماعی بر خلاف آن عمل کرده و ستمگرانه رفتار کند [۳۸].

همچنین فرمود: کسی که دنیای خود را در طلب آخرت ترک یا آخرت را به جهت طلب دنیا رها کند از ما نیست [۳۹].

و همچنین فرمود: سستی و تنبلی زیانی بزرگ به معنویت و دنیای شما وارد می کند

[۴۰].

[صفحه ۵۶]

در مورد خوش خلقی فرمود: رویی گشاده و چهره ای همراه با تبسم، محبت آور و مایه ی تقرب به خدا است، ترشروی و قیافه ای عبوس و گرفته مایه ی بیزاری و نفرت دیگران و دوری از خداست [۴۱].

## حفظ زبان

زبان انسان کلید هر خوبی و بدی است، شایسته است انسان بر زبان خود مهر زند همان گونه که به طلا و نقره اش مهر می زند، رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: خدای رحمت کند و مورد لطف خویش قرار دهد، مؤمنی را که زبانش را از هر بدی نگاه دارد، زیرا نگهداری زبان صدقه

ای از انسان به خود اوست. سپس امام فرمود: هیچ کس از گناهان سالم نماند مگر این که زبان خود را نگاهدارد [۴۲].

همسفر: من نیز به یاد دارم که امام باقر علیه السلام فرمود: پدرم امام سجاد دستم را گرفته و گفت: پسر، عمل خیر را برای هر که از تو طلب کند انجام ده، اگر او شایستگی داشت، تو بجا خیر نموده ای و اگر او سزاوار نباشد، تو شایسته ی آنی، پس اگر کسی تو را از طرف

[صفحه ۵۷]

راستت ناسزا گفت و آنگاه به طرف چپ تو آمد و زبان به عذر خواهی گشود بر تو لازم است عذرش را بپذیری [۴۳].

### خویشتن داری مؤمن

حضرتش فرمود: تو را به پنج چیز سفارش می کنم: هر گاه به تو ظلم شد، ستم روا مدار و اگر به تو خیانت کردند، خیانت مکن و اگر دروغگویت خواندند، بخشم نیایی، و اگر ستایشت کردند شادمان نشوی و اگر بد گویت کردند بی تاب مشو [۴۴].

امام فرمود: پیروان ما سه گونه اند: گروهی از آنها برای رسیدن به منافع شخصی، خود را پیرو ما دانسته ادعای اسلام می کنند، گروهی دیگر همچون شیشه بدون استقامتند و گروه سوم چون طلای نابند که هر چه در آتش فرو رود، زیبایی و شکوه آنها بیشتر شود. [۴۵].

[صفحه ۵۸]

و نیز فرمود: مؤمن کسی است که در هنگام رفاه و خوشی به گناه آلوده نشود و هنگامی که خشمگین است، خشم، او را از سخن حق دور نسازد. مؤمن واقعی کسی است که به هنگام قدرت، قدرتش او را به تعدی و تجاوز نکشانند و از حق خارج نکند. [۴۶].

امام باقر علیه السلام فرمود:

روحیه ی تکبر در قلب کسی راه نمی یابد مگر این که به همان اندازه در عقل و اندیشه ی او کاستی پدید آید چه کم باشد یا زیاد. [۴۷].

راستگویی موجب پاکیزگی عمل و نیت خیر باعث فزونی رزق است و هر که با خانواده اش خوش رفتاری کند عمرش زیاد شود. [۴۸].

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند دوست دارد که بندگانش دعا کنند و از او آسایش دنیا و آخرت را بخواهند، بویژه زمان این درخواست از نیمه های شب تا طلوع آفتاب است که در این ساعات درهای رحمت الهی باز و حوائج و نیازها قرین به اجابت است و در

[صفحه ۵۹]

این ساعات ارزاق بندگان تقسیم می شود و مقتضی بر آمدن حاجات بزرگ بندگان و دفع گرفتاری های عظیم است [۴۹].

### در تقویت روابط خویشاوندی

امام باقر علیه السلام درباره ی تقویت روابط خویشاوندی سفارش و تأکید بسیار فرموده است، آن حضرت سخن رسول خدا را چنین بیان می کند: پیامبر فرمود، از پیروان من آنان را که حاضر یا غایبند و نیز آنان که در صلب پدران و رحم مادرانند و تا قیامت خواهند آمد، همه را به حفظ روابط خویشاوندی و صله ی رحم سفارش می کنم، هر چند حفظ این روابط مستلزم پیمودن راهی یکساله باشد، زیرا حفظ روابط و پیوندهای خویشاوندی و صله ی رحم از برنامه های دین است [۵۰].

### دنیا دوستی

امام باقر علیه السلام می فرماید: مثل آن کسی که به دنیا حریص است مانند کرم ابریشم است هر اندازه که به دور خود تار تند، خود را از

[صفحه ۶۰]

بیرون رفتن دورتر می کند، تا آنکه به خاطر بستن راه خود می میرد [۵۱] در مقایسه با دنیا طلب و انسان مادی نیز چنین است او به جمع اموال مردم از حلال و حرام پرداخته و ناگاه خود را در قعر آتش می بیند.

### چهار صفت انسانی

امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که دارای یکی از این چهار صفت انسانی باشد در پیشگاه خدای متعال مقامی والا خواهد داشت:

هر که یتیمی را سرپرستی کند و به او جایگاهی دهد. کسی که به ضعیف و بینوایی رحمت آورد، هر آنکه نسبت به پدر و



مادر مهربان باشد و کسی که با زیر دست خود مدارا کند. [۵۲].

امام فرمود: در گرفتاریها و مصائب شکبیا باش، به حقوق دیگران تجاوز مکن و نسبت به مردم گونه ای باش که ضررش بر تو بیش از سود آن نباشد [۵۳].

[صفحه ۶۱]

### سفارش امام باقر به فرزندش

امام باقر علیه السلام به فرزندش امام صادق (علیهما السلام) فرمود: فرزندم، خدا سه چیز را در سه چیز پنهان نموده است: رضا و خشنودی خود را در عبادت پنهان نمود. بنابراین هیچ عبادتی را کوچک مشمار، شاید رضای خدا در آن باشد. خشم خود را در گناهان پنهان ساخت، پس گناهی را کوچک مشمار، شاید به واسطه ی همان گناه مورد خشم واقع شوی و بندگان محبوب خود را میان مردم پنهان کرد، پس کسی را کوچک مشمار، زیرا ممکن است همان فرد، بنده ی محبوب خدا باشد [۵۴].

### اخلاق پسندیده و مدارا با مردم

امام باقر علیه السلام در مورد تواضع فرمود: فروتنی آن است که انسان راضی باشد به نشستن در جایی که از مقتضای شرف و شخصیت او پست تر باشد و دیگر این که سلام کنی به هر کس که با او برخورد می کنی و مجادله را اگر چه حق تو باشد ترک کنی. [۵۵].

[صفحه ۶۲]

امام فرمود: چهار چیز است که از سرچشمه های نیکی است، مخفی کردن نیازمندی و حاجت خود، پوشاندن درد، پنهان نمودن صدقه و بخشش و پوشاندن مصیبت [۵۶].

امام باقر علیه السلام فرمود: با انسانهای منافق، آنان که بر زبان سخنی آرند و در دل بدان پایبند نیستند، با زبانت سازش کن و دوستی و محبت خالص خود را برای مؤمنان قرار ده و اگر شخصی یهودی با تو همنشین شد در همنشینی با او نیکویی کن [۵۷].

استاد: باید گفت: امام باقر علیه السلام در کنار تشویق انسانهای مؤمن به ایجاد روح برادری و برقراری روابط صمیمانه با افراد جامعه، هشداری نیز به خطرات و عواقب وخیم پاره ای از معاشرتها و روابط

منحرف کننده داده و فرموده است: به حق قیام کن و از آنچه به تو مربوط نیست دوری کن و از دشمن خود بر حذر باش و از دوستان متفرقه نیز اجتناب کن، مگر اینکه امین و خدا ترس باشد، با فاجر هم صحبت مشو و او را بر اسرار خویش آگاه مکن، در کار خود با کسانی مشورت کن که از خدا می ترسند [۵۸].

[صفحه ۶۳]

همسفر: خدایت نگهدارد سخنانی آموزنده از مولایم به زبان راندی، اکنون توصیه ای از امام باقر علیه السلام به عمرو بن ابی المقداد در مورد صداقت و راستگویی به یادم آمد، بیانش را لازم می دانم، تا شاید روشنگر راهمان باشد. او می گوید: اولین بار که برای درک محضر درس امام به خدمتش رسیدم، فرمود: راستگویی را فرا گیرید پیش از این که حدیث را بیاموزید [۵۹].

امام در وظایف شیعیان فرمود: شیعه ی ما نیستند مگر آنان که تقوی دارند و خدا را اطاعت کنند، آنها شناخته نشوند مگر به تواضع و فروتنی و پرداخت امانت و کثرت ذکر خدا و روزه و نماز و نیکی به پدر و مادر و رسیدگی به همسایگان تهی دست و مستمندان و قرض داران و یتیمان و راستگویی و تلاوت قرآن و نگهداری زبان از سخن درباره ی مردم، بجز سخن نیکو و آنان امین طایفه ی خود باشند در هر امری [۶۰].

استاد: طبیعی است وجود چنین صفاتی در انسان، اخلاق پسندیده و مدارای با مردم را در بر دارد و نتیجه اش برخوردار بودن

[صفحه ۶۴]

از خیر و برکت در نیا و آخرت و آسایش است. و در این رابطه امام علیه السلام بیانی

دارد. او فرمود: به هر که اخلاق نیک و حسن رفتار و مدارا با مردم عطا شده باشد، در دنیا و آخرت از خیر و برکت و آسایش برخوردار است و آن که از اخلاق نیکو و مدارای با مردم برخوردار نباشد، این حرمان راهی به سوی هر بدی و بلاست مگر این که در پناه پروردگار از بدی ها ایمن شود. [۶۱].

امام باقر علیه السلام درباره ی ولایت ائمه علیه السلام نیز سخنی از قول پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم چنین بیان کرد: رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: هر که دوست دارد زندگی کند چون زندگی من و مردنش چون مرگ من باشد و به بهشتی که خدا مرا وعده داده است وارد شود و به شاخه ی درخت الهی چنگ زند و توسل جوید، پس باید ولایت و محبت علی بن ابیطالب و اوصیای بعد از او را پذیرفته و از آنان اطاعت کند، زیرا آنان شما را به گمراهی نمی کشانند و از راه هدایت خارج نمی کنند، پس به آنان چیزی نیاموزید زیرا آنان داناتر از شما هستند [۶۲].

[صفحه ۶۵]

امام فرمود: صبر بر دو گونه است، صبر در هنگام بلا و گرفتاری که این صبری نیک و پسندیده است و صبر برتر ایستادگی در برابر گناه است [۶۳].

امام علیه السلام به دقت در انتخاب معلم نیز تأکید فرموده اند: در حضور امام باقر علیه السلام آیه ی «فلینظر الانسان الى طعامه» مطرح شد یعنی انسان باید به غذای خویش با دقت بنگرد. از حضرت سؤال شد: منظور از غذا چیست؟ امام باقر علیه السلام فرمود: منظور

از غذای علم و دانش است و انسان باید بدقت توجه کند، علم را که غذای روحانی اوست از چه کسی فرا می گیرد [۶۴].

در این جا امام باقر علیه السلام سفارش فرمودند که در انتخاب معلم دقت شود مبادا علم که غذای روح است از سرچشمه ای آلوده کسب شود و روح و جان انسان را بیمار و تباه کند، زیرا انسان ترکیبی از جسم و روح است و هر دو جنبه ی آدمی به غذا نیاز دارد، جسم انسان به غذای مادی و روح او به غذای روحانی محتاج است. و همان گونه که در غذای جسمانی دقت کند به غذای روحانی خود نیز باید با تأمل بنگرد.

[صفحه ۶۶]

همسفر: فدایت شوم در این مدت به اخلاص و صفای باطن تویی بردم و دانستم که تو با عشق به معرفت حق و قرب و اتصال به او زمانی بس دراز از عمر با برکت خود را در راه پی بردن به اسرار وجود و معارف حقه اسلام مصروف داشته و از شکافنده ی علوم بهره گرفتی، اکنون از تو می خواهم مرا دعا کنی چرا که دعا سبب جلب رحمت و عنایت ذات اقدس باری تعالی است نسبت به بندگان و در سوره ی مؤمن صریحا اجابت دعا را تعهد فرموده است. «قال ربکم ادعونی استجب لکم» [۶۵] پروردگار شما فرمود: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.

## دعا و نیایش

استاد: از دعا و نیایش صحبت شد، می دانی که انسان در میدان مبارزه ی زندگی، با سختی ها و مشکلات در گیر است، علاوه بر مجاهده و کوشش که سلاح ظاهری است باید با سلاح معنوی دعا که استمداد از نیروی

غیبی است به مبارزه برخیزد، تا به پیروزی قطعی نایل آید. در این رابطه یکی از وصایای امیر المومنین علی علیه السلام به فرزندش امام مجتبی به خاطر آمد حضرت فرمود: خداوند کلیدهای خزائنش را به دست تو نهاده، اجازه ی مسألت و دعا به تو داده، پس هر گاه بخواهی به سبب دعا درهای نعمتش را

[صفحه ۶۷]

می گشایی و از ابرهای رحمتش درخواست باران مغفرت می کنی [۶۶].

و در این باره امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند نمی پسندد که مردم اصرار ورزند و خواسته های خود را از یکدیگر بخواهند. ولی دوست دارد که آنها برای رفع حوائجشان به درگاه او دست نیاز دراز کرده و خواسته هایشان را از او بخواهند، خداوند جل ذکره دوست دارد که از او سؤال شود و آنچه نزد اوست مورد درخواست قرار گیرد [۶۷].

آری دعا ارتباط مستقیم با آفریدگار جهان دارد و وابستگی به اوست و شرط استجابتش این است که انسان به صدقه و صفا و خلوص نیت با خدا ارتباط برقرار کرده در حالی که مدعنا و معترفا به ذنوبه است روی به درگاه خدای آورده و به گوید: «اتینک یا الهی بعد تقصیری» خدای من، اکنون بعد از کوتاهی در انجام عمل و بندگی (کمال خفت) به درگاه تو روی آورده ام. امام باقر علیه السلام در این باره فرموده است: به خدا سوگند از گناه رها نشود جز کسی که بدان اعتراف کند [۶۸].

و نیز فرموده است: خدای تعالی از مردم نخواسته است مگر

[صفحه ۶۸]

دو خصلت را یکی اقرار به نعمتهای او تا نعمتش را بیفزاید، دیگر اقرار به گناهان تا ایشان را

همسفر: خدا نگهدارت باد، راستی می دانی جابر جعفی پیر شده و اکنون از محضر پر برکت امام صادق علیه السلام بهره می گیرد.

استاد: آری: امام صادق علیه السلام نیز همچون پدر بزرگوارش محضری پر بار دارد، او افضل اولاد محمد باقر علیه السلام است و چندی است به حضور او شرفیاب می شوم.

در میان فرزندان امام باقر علیه السلام که پنج پسر و دو دخترند، امام صادق علیه السلام مشهورترین و با فضیلت ترین فرزند وی است که از ام فرّوه به دنیا آمده و نسل امامت از طریق او استمرار یافته است.

فرزندان امام باقر علیه السلام عبارتند از: ابو عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام، عبدالله، ابراهیم، عبیدالله و علی و دو دختر امام، یکی زینب و دیگری ام سلمه است.

همسفر: آری سرانجام امام باقر علیه السلام پس از عمری عبادت با اخلاص و ترویج دین مبین اسلام و انجام خدمات علمی و اجتماعی، در روز هفتم ماه ذی حجه سال ۱۱۴ هجری در سن پنجاه و هفت سالگی در زمان ستمگر اموی (هشام بن عبدالملک) مسموم و به شهادت رسید. می دانی عامل شهادت امام را هشام بن عبدالملک و برخی دیگر ابراهیم بن ولید و دیگران زید بن حسن

[صفحه ۶۹]

می دانند.

امام باقر علیه السلام در شامگاه وفات به فرزندش جعفر صادق علیه السلام فرمود: من امشب از دنیا نخواهم رفت، اکنون پدرم را ملاقات کردم او شربتی گواراتر نزد من آورد و نوشیدم، و مرا به دیدار حق و سرای جاویدان بشارت داد.

پس از شهادت، پیکر پاک آن دریای دانش را در قبرستان بقیع کنار آرامگاه امام حسن مجتبی علیه السلام

و امام سجاد علیه السلام به خاک سپردند.

## پاورقی

[۱] همانا خدا مردم را به عدل و احسان فرمان می دهد و به بخشش نسبت به خویشاوندان امر می کند و از کارهای زشت و منکر و ظلم نهی می کند، به شما پند می دهد، باشد که به خود آید.

[۲] انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی و انهما لن یفتقا حتی یردا علی الحوض و انکم لن تضلوا ان اتبعتم و استمسکتکم بهما.

[۳] و به دوستی شما خدا معالم دین را به ما آموخت.

[۴] جابر احادیث بسیاری از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم روایت کرده و در نوزده غزوه با رسول اکرم صلی الله علیه و اله و سلم همراه بوده است. وی پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم در مسجد النبی مجلس درسی ترتیب داد و مردم از او کسب علم می کردند. جابر آخرین فرد از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم است که در آخر عمر نابینا شد. او در سال ۷۴ یا ۷۷ ه. ق و در سن ۹۵ سالگی در مدینه در گذشت.

[۵] پیامبر فرمود: «مثل اهل بیتی کسفینه نوح من ركبها نجا و من تخلف عنها غرق.».

[۶] سوره ی نحل (۱۶) آیه ی ۳ .

[۷] سوره ی نجم (۵۳) آیه ی: ۳ و ۴.

[۸] از من پرسید پیش از آن که مرا از دست دهید.

[۹] لدنی، منسوب به لدن: فطری، جبلی، خدادادی.

علم لدنی: دانش ذاتی، علمی که به الهام خداوند به دست آمده و بدون استاد فرا گرفته شود.

[۱۰] عبدالملک مروان در سال ۶۵ ه. ق به

حکومت رسید و به سال ۸۶ ه. ق در گذشت.

[۱۱] ابو حنیفه، نعمان بن ثابت (۸۰ - ۱۵۰ ه. ق) امام مذهب حنفی یکی از ائمه ی اربعه ی اهل تسنن است.

[۱۲] الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الا سلام دینا.

(امروز دینتان را برای شما کامل و نعمتم را بر شما تمام کردم و دین اسلام را برایتان پسندیدم.) سوره ی مائده (۵) آیه ۳.

[۱۳] «هؤلاء حفاظ الدین امناء ابی علی حلال الله و حرامه و هم السابقون الینا فی الدنیا و السابقون الینا فی الاخره.» .

[۱۴] اشد الاعمال ثلاثه: مواساه الاخوان فی المال و انصاف الناس من نفسک و ذکر و الله فی کل حال.

[۱۵] یا سلمی ما حسنه الدنیا الا صله الاخوان و المعارف.

[۱۶] بئس الاخ اخ یرعاک غنیا و یجفوک فقیرا.

[۱۷] قال الامام الباقر (علیه السلام) لیس منا من ترک دنیاه لآخرته و لا آخرته لدنیاه.

[۱۸] مرجئه: فرقه ای است که در قرن اول هجری پدید آمد و مذهبشان ساختگی است، آنها ایمان را قول بلا عمل می دانند و معتقدند همان ایمان باعث نجات از عذاب ترک عمل است.

[۱۹] یا جابر: بلغ شیعتی عنی السلام و اعلمهم انه لا قرابه بیننا و بین الله عزوجل و لا یتقرب الیه الا بالطاعه له، یا جابر، من اطاع الله و احبنا فهو ولینا و من عصی الله لم ینفعه حبنا.

[۲۰] یا جابر: ان المومنین لم یطمئنوا ال الدنیا ببقائهم فیها و لم یأمنوا قدومهم الاخره، یا جابر! الاخره دار قرار و الدنیا دارفناء و زوال و لکن اهل الدنیا اهل غفله و کان المؤمنون هم الفقهاء، اهل فکره و عبره لم یصمهم عن



ذكر الله ما سمعوا باذنهم و لم يعمهم عن ذكر الله مارأوا من الزينه.

[٢١] عن ابى جعفر قال يا جابر: ايكتنى من ينتحل التشيع ان يقول بحبنا اهل البيت!! فوالله ما شيعتنا الا من اتقى الله و اطاعه و ما كانوا يعرفون، يا جابر الا بالتواضع و التخشع و الامانه و كثره ذكر الله و ما تنال و لا يتنا الا بالعمل و الورع.

[٢٢] انما يداق الله العباد فى حساب يوم القيامه على قدر ما آتاهم من العقول فى الدنيا.

[٢٣] لما خلق الله العقل استنطقه ثم قال له: اقبل فأقبل ثم قال له: ادبر فادبر ثم قال: و عزتى و جلالى ما خلقت خلقاً هو احب الى منك و لا أكمل الا فيمن أحب. أما انى اياك آمو اياك أنهى و اياك اعاقب و اياك أثيب.

[٢٤] قال الباقر عليه السلام فى صفه ابناء الاخره ... لا يملون من ذكر الله.

[٢٥] انما يعبد الله من يعرف الله فاما من لا يعرف الله فانما يعبده هكذا ضالا ... قلت: جعلت فداك فما معرفه الله؟ قال تصديق الله عزوجل و تصديق رسوله صلى الله عليه و اله و سلم و مواله على عليه السلام و الائتمام به و بائمه الهدى عليه السلام و البراءه الى الله عزوجل من عدوهم هكذا يعرف الله عزوجل.

[٢٦] سئل ابو جعفر عليه السلام عن الذى لا يجتزم بدون ذلك من معرفه الخالق فقال: ليس كمثل شىء و لا يشبهه شىء لم يزل عالما سميعا بصيرا.

[٢٧] اياكم و التفكير فى الله و لكن اذا اردتم ان تنظروا الى عظمته فانظروا الى عظيم خلقه.

[٢٨] لا يكون العيد عابد الله حق عبادته حتى ينقطع

عن الخلق كلهم اليه.

[٢٩] تعلموا العلم، فان تعلمه حسنه و طلبه عباده و المذاكره له تسبيح و البحث عنه جهاد و تعليمه صدقه و بذله لاهله قربه و العلم ثمار الجنه و انس فى الوحشه و صاحب فى الغربه و رفيق فى الخلوه و دليل على السراء و عون على الضراء و دين عند الاخلاء.

[٣٠] سمعت ابا جعفر عليه السلام يقول: رحم الله عبدا احبى العلم قال: قلت و ما احياه؟ قال: ان يذاكر به اهل الدين و اهل الورع.

[٣١] ان الذى يعلم العلم منكم له اجر مثل اجر المتعلم و له الفضل عليه، فتعلموا العلم من حملة العلم و علموه اخوانكم كما علمكموه العلماء.

[٣٢] قال الامام الباقر: عالم ينتفع بعلمه افضل من سبعين عبدا.

[٣٣] والله لموت عالم احب الى ابليس من موت سبعين عبدا.

[٣٤] من طلب العلم منكم ليباهى به العلماء او يمارى به السفهاء او يصرف به وجوه الناس اليه فليتبوء مقعده من النار ان الرئاسة لا تصلح الا لاهلها.

[٣٥] قال الامام الباقر عليه السلام: ثلاثه من مكارم الاخلاق: ان تعفو عن ظلمك و تصل من قطعك و تحلم اذا جهل عليك.

[٣٦] لا يقبل عمل الا بمعرفه و لا معرفه الا بعمل و من عرف دلت معرفته على العمل و من لم يعرف فلا عمل له.

[٣٧] من اعظم الناس قدرا؟ فقال من لا يرى الدنيا لنفسه قدرا.

[٣٨] ان اشد الناس حسره يوم القيامة عبد و صف عدلا ثم خالفه الى غيره.

[٣٩] ليس منا من ترك دنياه لآخريته و لا آخريته لدنياه.

[٤٠] الكسل يضر بالدين و الدنيا.

[٤١] البشر الحسن و طلاقه الوجه مكسبه للمحبه و قربه من الله و عبوس الوجه و سوء البشر

مكسبه للمقت و بعد من الله.

[٤٢] قال عليه السلام: ان هذا اللسان مفتاح كل خير و شر فينبغي للمؤمن ان يختم على لسانه كما يختم على ذهبه و فضته، فان رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم قال: رحم الله مؤمنا امسك لسانه من كل شر فان ذلك صدقه منه على نفسه ثم قال لا يسلم احد من الذنوب حتى يخزن لسانه.

[٤٣] ان ابي على بن الحسين اخذ بيدي و قال يا بني افعل الخير الى كل من طلبه منك فان كان من اهله فقد اصبت موضعه و ان لم يكن له باهل كنت انت اهله و ان شتمك رجل يمينك ثم تحول الى يسارك و اعتذر اليك فاقبل منه.

[٤٤] اوصيك بخمس ان ظلمت فلا تظلم و ان خانوك فلا تخن و ان كذبت فلا تغضب و ان مدحت فلا تفرح و ان ذممت فلا تجزع.

[٤٥] شيعتنا ثلاثه اصناف، صنف يأكلون الناس بنا و صنف كالزجاج ينم و صنف كالذهب الاحمر، كلما ادخل النار ازداد جوده.

[٤٦] عن ابي جعفر عليه السلام قال: انما المؤمن الذي اذا رضى لم يدخله رضاه فى اثم و لا باطل، و اذا سخط لم يخرج سخطه من قول الحق و الذى اذا قدر لم يخرج قدرته الى التعدى الى ما ليس له بحق.

[٤٧] قال الباقر عليه السلام ما دخل قلب امرى شىء من الكبر الا نقص من عقله مثل ما دخله من ذلك، قل ذلك او كثر.

[٤٨] من صدق لسانه زكى عمله و من حسنت نيته زيد فى رزقه و من حسن بره باهله زيد فى عمره.

[٤٩] قال الباقر عليه السلام ان الله عزوجل احب من عباده المؤمنين

كل دعاء فعليكم بالدعاء فى السحر الى طلوع الشمس فانها ساعه تفتح فيها ابواب السماء و تهب الرياح و تقسم فيها ارزاق و تقضى فيها الحوائج العظام.

[٥٠] عن ابى جعفر عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم اوصى الشاهد من امتى و الغائب منهم و من فى اصلاب الرجال و ارحام النساء الى يوم القيامة.

[٥١] قال الباقر عليه السلام مثل حريص على الدنيا مثل دود القز كلما ازدادت على نفسها لفا كان ابعد لها من الخروج حتى تموت غدا.

[٥٢] اربع من كن فيه بنى الله له بيتا فى الجنة: من آوى اليتيم، و رحم الضعيف و اشفق على والديه و رفق بمملوكه.

[٥٣] اصبر للنوائب و لا تتعرض للحقوق و لا تعط احدا فى نفسك ما ضره عليك اكثر من نفعه.

[٥٤] ان محمد ابن على الباقر عليه السلام قال لابنه جعفر الصادق: يا بنى، ان الله خبأ ثلاثة اشياء فى ثلاثة اشياء، خبأ رضاه فى طاعته فلا تحقرن من الطاعة شيئا فلعل رضاه فيه و خبأ سخطه فى معصيته فلا تحقرن من المعصيته شيئا فلعل سخطه فيه و خبأ اوليائه فى خلقه فلا تحقرن احدا فلعله ذلك الولي.

[٥٥] التواضع الرضا بالمجلس دون شرفه و ان تسلم على من لقيت و ان تترك المرء و ان كنت محقا.

[٥٦] اربع من كنوز البر، كتمان الحاجه و كتمان الصدقه كتمان الوجد و كتمان المصيبة.

[٥٧] صانع المنافق بلسانك و اخلص مودتك للمؤمن و ان جالسك يهودى فاحسن مجالسته.

[٥٨] قم بالحق و اعتزل ما لا يعينك و تجنب عدوك و احذر صديقك من الاقوام الا الامين من خشى الله و لا تصحب الفاجر و لا تطلعه

على شرك و استشر في امرك الذين يخشون الله.

[٥٩] تعلموا الصدق قبل الحديث.

[٦٠] ما شيعتنا الا من اتقى الله و اطاعه و ما كانوا يعرفون الا بالتواضع و التخشع و اداء الامانه و كثره ذكر الله و الصوم و الصلاة و البر بالوالدين و تعهد الجيران من الفقراء و ذوى المسكنه و العارمين و الايتام و صدق الحديث و تلاوه القرآن و كف اللسن عن الناس الا من خير و كونوا امناء عشائركم فى الاشياء.

[٦١] من اعطى الخلق و الرفق، اعطى الخير و الراحة و حسن حاله فى دنياه و آخرته و من حرم الخلق و الرفق كان ذلك له سييلا الى كل شر و بليه الا من عصمه الله.

[٦٢] قال: قال رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم: من سره ايجيى حياتى و يموت ميتتى و يدخل الجنه التى وعد فيها ربى و يتمسك بقضيب غرسه ربى بيده، فليتول على بن ابى طالب عليه السلام و اوصيائه من بعده فانهم لا يدخلونكم فى باب ضلال و لا يخرجونكم من باب هدى، فلا تعلموهم فانهم اعلم منكم.

[٦٣] الصبر صبران: صبر على البلاء حسن جميل و افضل الصبر من الصابرين الورع عن المحارم.

[٦٤] عن ابى جعفر عليه السلام فى قوله عز وجل: «فلينظر الانسان الى طعامه» قال: قلت ما طعامه؟ قال علمه الذى يأخذه، عمن يأخذه؟.

[٦٥] سورة ي مؤمن (٤٠) آيه ٦٣.

[٦٦] ثم جعل فى يديك مفاتيح خزائنه بما اذن لك فيه من مسألته فمتى شئت استفتحت بالدعاء ابواب نعمته و استمطرت شآبيب رحمته.

[٦٧] ان الله كره الحاح الناس بعضهم على بعض فى المسأله و احب ذلك لنفسه. ان الله جل ذكره يحب ان يسال و يطلب ما

[٦٨] والله ما ينجو من الذنب الا من اقر به.

[٦٩] لا والله ما اراد الله تعالى من الناس الا خصلتين: ان يقرؤا له بالنعمة فيزيدهم و بالذنوب فيغفر لهم.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه



بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

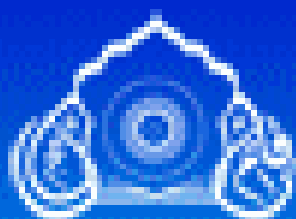
ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹